

مطالعات معماری ایران ۲۸

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



◆ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۱۹۴-۱۲۷۶ق)

● شیما نگهبان / محمدرضا غیاتیان / محمد مشهدی نوش آبادی

◆ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران

● مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر

◆ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصورتاریخی

● محمد رضائی ندوشن

◆ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی

● ثنا یزدانی / زهرا اهری

◆ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد

● فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز

◆ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام

● کارن فتاحی

◆ آسیب‌پذیری محوطه تخت جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن

● حمید فدایی / مسعود نخعی

◆ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)

● سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی

◆ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم

● فوزیه زینلی نصرآبادی / نویمان فرح‌زاد / محمدرضا حافظی

◆ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام

● مصطفی صیرفیان‌پور / مسعود ناری قمی

◆ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری

● بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده

◆ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره براساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر آرگانیک در برابر ساختار درخت‌وار

● علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرئوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

عکس روی جلد: علی عمرانی پور
(ایوان شمالی مدرسه پریزاد)

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۲۲

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب رواندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۰۲۰



فهرست

- ۵ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۲۷۶-۱۱۹۴ق)
شیما نگهبان / محمدرضا غیاثیان / محمد مشهدی نوش آبادی
- ۲۹ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران
مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر
- ۶۵ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصور تاریخی
محمد رضائی ندوشن
- ۸۳ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی
ثنا یزدانی / زهرا اهری
- ۱۱۳ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد
فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز
- ۱۲۹ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی
نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام
کارن فتاحی
- ۱۵۳ آسیب‌پذیری محوطه تخت‌جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن
حمید فدایی / مسعود نخعی
- ۱۷۱ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)
سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی
- ۱۹۷ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم
فوزیه زینلی نصرآبادی / نریمان فرحزاد / محمدرضا حافظی
- ۲۱۷ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام
مصطفی صیرفی‌ان‌پور / مسعود ناری قمی
- ۲۳۹ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری
بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده
- ۲۶۱ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره بر اساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر
ارگانیک در برابر ساختار درخت‌وار
علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش
- ۲۷۳ بخش انگلیسی

شهر دانشگاهی جندی شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)

سید علیرضا سیدی*

مرتضی همتی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۲۱

چکیده

دانشگاه جندی شاپور اهواز، همسو با سیاست‌های ملی‌گرایی حکومت پهلوی، میراث‌دار جندی شاپور ساسانی معرفی شد. توسعه این دانشگاه از بدو تأسیس در سال ۱۳۳۴ تا آغاز دهه ۱۳۵۰ چندان مطلوب نبود. با این حال در کمتر از یک دهه منتهی به انقلاب اسلامی، این دانشگاه به سرعت توسعه یافت و شهر دانشگاهی جندی شاپور اهواز پدید آمد. در شکل‌گیری این شهر دانشگاهی پیش‌شرط معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» مطرح شد و محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و مؤژان خادم برای طراحی ساختمان‌های آن فرا خوانده شدند. در نتیجه، این شهر دانشگاهی به نمونه‌ای کم‌نظیر و ارزشمند در معماری معاصر ایران بدل شد که بستر فعالیت هم‌زمان تعدادی از مجرب‌ترین معماران ایرانی در تجربه بازتولید و معاصرسازی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» است. پژوهش حاضر با روش تاریخی - تفسیری و با تکیه بر اسناد نویافته، نقش هریک از معماران در طراحی ساختمان‌های این شهر دانشگاهی را تدقیق می‌کند و با به‌کارگیری «دستگاه واکاوی فرم» مشتمل بر شاخص‌های «ارتباط با بناهای مجاور»، «هم‌نشینی فضاها»، «هندسه»، «ساختار فرم» و «آرایه و نماد» آثار آنان را تشریح می‌نماید. رویکردهای معمارانه به‌کار گرفته شده در دسته‌های «کالبدی» به معنای به‌کارگیری ارجاعات مستقیم فرمی به معماری تاریخی، «کالبدی - مفهومی» به معنای بازتعریف مفاهیم معماری تاریخی همراه با اشارات قابل خوانشی از تعهد به آن، و «مفهومی» به معنای تولید کالبدی جدید، صرفاً با بهره‌گیری از مفاهیم معماری تاریخی قابل مشاهده است که می‌توان به ترتیب مقتدر، دیبا و خادم را شاخص‌ترین چهره هر دسته نامید.

کلیدواژه‌ها:

معماری معاصر ایران، معاصرسازی، محمدرضا مقتدر، کامران دیبا، مؤژان خادم.

* دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه نگراس تک، آمریکا، نویسنده مسئول، alireza.seyedi@ttu.edu
** دکتری، معماری منظر، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. نقش هریک از معماران محوری در طراحی ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور در توسعه آن از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی چیست؟
۲. معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» چگونه در آثار معماران محوری فعال در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور بازتولید شده است؟

مقدمه

شهر دانشگاهی به‌عنوان یک جزء نیمه‌مستقل شهری، مجموعه پیچیده‌ای حاصل از انگاره‌ها و جهان‌بینی نظام بالادستی نسبت به نهاد علم است. با توجه به گسترش اهمیت علم در سازوکار حاکمیت‌ها، شهرهای دانشگاهی را می‌توان به‌مثابه یک بیانیه و مانیفست سیاسی - اجتماعی از اندیشه‌های حاکمیت تلقی نمود که از طریق آن، به بیان آرمان‌های هویت خود می‌پردازند. در این بین، دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، به‌شدت متأثر از میل شدید حاکمیت به ارجاع بر هویت تاریخی، در سال ۱۳۳۴ پدید آمد (مجاب ۱۳۴۶، ۵-۳۶). هرچند که توسعه این دانشگاه تا اواخر دهه چهل بسیار کند بود، در دهه منتهی به انقلاب اسلامی، ساخت‌وساز گسترده‌ای در اراضی دانشگاه صورت گرفت به‌طوری‌که «شهر دانشگاهی جندی‌شاپور» پدید آمد. در این بین، نه‌تنها در شکل‌گیری نهاد این دانشگاه، میل به تاریخ‌گرایی و آرمان‌های هویت ایرانی قویاً مطرح بوده است، بلکه براساس نامه منتشرشده از سید حسین نصر، یکی از چهره‌های تأثیرگذار در تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور، بازتاب هویت ایرانی از طریق معماری به «سبک اصیل ایرانی» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های کارفرما در طراحی ساختمان‌های این شهر دانشگاهی مورد تأکید قرار گرفته بود (نصر ۱۳۹۸، ۲۳۰-۲۳۱). موضوعی که در سال‌های اولیه شکل‌گیری این شهر دانشگاهی در اسناد و متون منتشرشده پیرامون معماری مرتبط با این دانشگاه نیز مطرح شد و تلقی کلی مسئولان وقت چنین بود که «طرح معماری دانشگاه بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی پیاده گردیده است» (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶، ۵۱).

در همین راستا، شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، بین سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۷ هجری شمسی ساخت‌وساز گسترده و با سرعتی بسیار بالا را تجربه نمود که منجر به فعالیت شرکت‌های مهندسی مشاور بزرگی از جمله «مدام»، «داض»، «پرکینز اند ویل»^۳، «داض - پرکینز اند ویل»^۴ و «موژدا و همکاران» شد.^۵ به‌تبع این موقعیت، بستر حضور کم‌سابقه هم‌زمان تعدادی از معماران شناخته‌شده و مجرب، همچون نکتار پاپازیان،^۶ کنستانتین الکس آندرف،^۷ محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و موژان خادم پدید آمد که به‌منظور طراحی پروژه‌های واحد، به این دانشگاه فرا خوانده شدند. تنوع معماران فراخوانده‌شده به شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، آن را مجموعه‌ای کم‌نظیر از چگونگی بازتولید معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» در بستری یکسان، بدل می‌سازد که بر مبنای خوانش سه گروه از معماران اثرگذار و خیره‌کننده معاصر، با محوریت اندیشه‌های محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و موژان خادم به فرم درآمده و عینیت یافته است. افزون بر این، به‌رغم خواست کارفرما برای بازتولید هویت ایرانی، پاسخ‌های معمارانه متفاوت و متکثری پدید آمده است که پیش‌تر تصور نمی‌شد این آثار در ارتباط با یک مفهوم کلی‌تر شکل گرفته باشند. چنان‌که در تمامی پژوهش‌های پیشین، ابنیه شهر دانشگاهی، یا به‌صورت مجزا یا حول آثار یک معمار پژوهش شده بودند و از این‌رو ارتباط مفهومی آن‌ها با یکدیگر مورد مطالعه قرار نگرفته است. با این حال با توجه به نامه منتشرشده نصر که بر چگونگی معماری شهر دانشگاهی تأکید می‌کند و همچنین اسناد کمتر دیده‌شده، از جمله توضیحات پیرامون معماری دانشگاه و طرح‌های جامع - که جلگی با گفته‌های نصر نیز همسو هستند - امکان مطالعه ارتباط مفهومی مابین آثار فراهم آمده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به‌دنبال آن است که از طریق ایجاد قیاس میان خوانش‌های سه گروه طراحی در این دانشگاه و بررسی نگرش‌ها و رویکردهای آن‌ها در نحوه پاسخ‌گویی به پرسش معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» از طریق دستگاه واکاوی فرم به تحلیل شیوه‌های بازتولید معماری ایرانی در

این دانشگاه بپردازد. به همین منظور، این جستار پس از بیان مقدمه‌ای از بستر طراحی، به معرفی معماران محوری و آثارشان در «شهر دانشگاهی جندی‌شاپور» می‌پردازد و از طریق بحث میان یافته‌های پژوهش، هر کدام از شیوه‌های به‌کار گرفته شده را ارزیابی می‌نماید.

۱. هدف پژوهش

این پژوهش در تلاش است تا افزون بر بیان تاریخچه مختصری از دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، بر پایه اسناد نویافته‌ای که حدود پنج دهه مغفول واقع شده بودند، نگاهی کل‌نگر به آثار معماری طراحی شده توسط محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و مؤژان خادم در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، از آغاز برنامه چهارم عمرانی تا انقلاب اسلامی داشته باشد. با توجه به تعمیم تصور اشتباه درباره نقش دیبا در طراحی ساختمان‌های این دانشگاه، پژوهش حاضر نقش هر معمار محوری در طراحی پروژه‌های واقع در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور را تبیین می‌نماید و سپس چگونگی بازتولید معماری «به سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» در آثار هریک از این معماران را مورد مذاقه قرار می‌دهد. بدین ترتیب این پژوهش در پی آن است که به پرسش مقابل پاسخ دهد: نقش هریک از معماران محوری در طراحی ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور چیست و معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» چگونه در آثار آن‌ها بازتولید شده است؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی با نگاهی جامع و کل‌نگر به مجموع ساختمان‌های طراحی شده توسط معماران محوری مجرب و پرآوازه، در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز نپرداخته است. با این حال اسناد و پژوهش‌های مرتبط در ادبیات این موضوع پژوهش را می‌توان در دو دسته کلی بررسی کرد: ۱. دسته نخست پژوهش‌های حوزه معماری و تاریخ‌نگاری معماری هستند که خود به سه گروه قابل تقسیم است: گروه اول پژوهش‌هایی که به شکل کل‌نگر به معماری معاصر ایران می‌پردازند و به برخی آثار این معماران نیز اشاره می‌کنند؛ گروه دوم پژوهش‌هایی است که راجع به یک معمار خاص شکل گرفته‌اند و به‌طور اختصاصی صرفاً به آثار او، مشتمل بر آثارش در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور می‌پردازند؛ و گروه سوم پژوهش‌هایی است که به‌طور خاص به معماری شهر دانشگاه جندی‌شاپور، اشاره می‌کنند. ۲. دسته دوم ادبیات موجود را اسناد و تألیفاتی تشکیل می‌دهند که اسناد دست‌اول این پژوهش حساب می‌آیند و عمدتاً در دوره زمانی مورد مطالعه این پژوهش، سال‌های میانی دهه پنجاه شمسی منتشر شده‌اند. این منابع با نگاهی غیرمعمارانه، شکل‌گیری، سیر توسعه و اهم وقایع مرتبط با دانشگاه جندی‌شاپور را روایت می‌کنند.

از جمله پژوهش‌های گروه اول دسته اول (حوزه معماری) که به شکل کل‌نگر به معماری معاصر ایران می‌پردازند، می‌توان به کتاب *معماران ایران* (قهاری ۱۳۸۶) اشاره کرد که فقط به ذکر تیتروگنه آثار پایازیان، مقتدر و دیبا بسنده کرده است. بانی مسعود (۱۳۹۴) نیز به بیان بسیار مختصری از اندیشه و آثار مقتدر و دیبا پرداخته که در آن اشاره چندانی به قیاس رویکردهای معماران نشده است. همچنین برخی پژوهش‌های متمرکز بر فعالیت زنان در معماری معاصر ایران، به بیان مختصری از آثار نکتار پایازیان بسنده کرده‌اند (Tabibi 2021; Khaghani & Rasooli 2018؛ خانبازاده، ارمغان، و سهیلی ۱۳۹۹).

پژوهش‌های گروه دوم دسته اول (حوزه معماری) با تأکید و تعمیق بیشتر، حول شخصیت و آثار یک معمار خاص صورت گرفته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب *باغی میان دو خیابان* اشاره کرد که دیبا (۱۳۹۳) بی‌واسطه نکات بدیعی درباره فعالیتش در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور را بیان نموده است. همچنین وی (۱۳۹۲) در کتاب *کامران دیبا؛ پروژه‌ها و ساختمان‌ها* به معرفی مختصر پروژه‌های طراحی شده‌اش می‌پردازد. افزون بر این موارد، می‌توان به شماره دهم مجله معمار اشاره کرد که سه نوشتار آن حول شخصیت و آثار کامران دیبا شکل گرفته است؛ با این حال امیدوار (۱۳۷۹)، افشارنادری (۱۳۷۹) و بسکی (۱۳۷۹) عمدتاً بر دیگر آثار دیبا متمرکز بوده و به آثار

معماران دیگر در این دانشگاه اشاره‌ای نداشته‌اند. پژوهش‌هایی نیز به‌طور خاص بر معرفی و تحلیل آثار محمدرضا مقتدر متمرکز شده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به نگاه تاریخ‌نگارانه مقتدر (۱۳۸۵) به آثار خودش در نوشتار کارهای محمدرضا مقتدر در مجله معمار اشاره کرد. افزون بر این، نگاهی به ۲۰ سال معماری محمدرضا مقتدر در ایران نیز پژوهش قابل ذکر دیگری است که با نگاهی کل‌نگر به پروژه‌های او می‌نگرد و آن‌ها را تحلیل می‌کند (عظیمی، محمدی، و عبدلی ۱۳۹۴، ۱۶-۲۹). پژوهش‌هایی متعددی نیز حول مؤثران خادم، سومین معمار تأثیرگذار در بناهای شهر دانشگاهی جندی‌شاپور صورت گرفته است. خادم (۱۳۹۳) در مجله رهاورد با عنوان «ابعاد عرفانی معماری» به بیان اندیشه‌های معمارانه‌اش پرداخته است. افزون بر این، مقاله‌ای در شماره ۱۲ و ۱۳ مجله هنر و معماری با عنوان «آشنایی با یکی از آرشیتکت‌های ایرانی و کارهای وی» قابل ذکر است که به معرفی خادم و شرح کارهای متقدم او، پیش از بازگشت به ایران، می‌پردازد. همچنین، کریس ایل (۱۳۸۷)، در کتاب معماری و هویت، همچون مجله آرکیکتچرال رکورد^۱ در دو شماره به بررسی بعضی از آثار خادم می‌پردازد که البته اشاره خاصی به شهر دانشگاه جندی‌شاپور ندارد. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با خادم که پیرامون طراحی شهرهای دانشگاهی انجام شده‌اند، می‌توان به تحلیل طراحی شهر دانشگاه قوچ در ترکیه براساس اندیشه موسوم به «معماری ممتد» شاره کرد (سیدی و همتی ۱۴۰۲). پژوهشی نیز راجع به تحلیل رابطه اندیشه معماری او و معماری شهرهای دانشگاهی طراحی شده توسط او در هفتاد و هشتمین کنفرانس سالانه انجمن مورخان معماری ارائه شده است (Seyedi, Mehan, and Hemmati 2025, 40). با این‌همه، مرتبط‌ترین پژوهش راجع به خادم که به شهر دانشگاهی جندی‌شاپور نیز مرتبط می‌شود، مصاحبه‌ای منتشر شده با ایشان است که محوریت آن، روایت خادم از آثارش در ایران و خاصه شهر دانشگاهی جندی‌شاپور است (همتی و سیدی ۱۴۰۰).

در نهایت گروه سوم دسته اول (حوزه معماری)، پژوهش‌هایی هستند که به‌طور مستقیم مطالبی راجع به معماری شهر دانشگاهی جندی‌شاپور دارند. در رأس پژوهش‌های این گروه، که مرتبط‌ترین پژوهش‌ها در خصوص موضوع مقاله حاضر محسوب می‌شوند، می‌توان به پژوهش مجتهدزاده و نام‌آور (۱۳۹۴) در کتاب در جست‌وجوی هویت شهری اهواز اشاره نمود که نظر بر تمرکز روی تاریخچه معماری و شهرسازی اهواز، اشارات محدودی به تعدادی از ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور دارد. افزون بر این، کتاب معماری و اندیشه تألیف مظهری و گدازی (۱۳۹۴) پژوهش قابل ذکر دیگری است که به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، به معرفی موجز تعدادی از ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور پرداخته است. نویسندگان این کتاب صرفاً به نوشتن چند سطر راجع به هر بنا بسنده می‌کنند و توصیفات دقیق یا تحلیل‌هایی قابل توجه از آن‌ها ارائه نمی‌نمایند؛ از این رو این کتاب، بسیار مختصر و فاقد نگاه تحلیلی به معماری شهر دانشگاهی جندی‌شاپور است.

دسته دوم ادبیات موجود مرتبط با این پژوهش، اسناد و تألیفاتی است که اطلاعات دست‌اولی از نحوه شکل‌گیری، چگونگی سیر توسعه، بنیان و مدیران و اهم وقایع مرتبط با دانشگاه جندی‌شاپور را در بر می‌گیرند. این اسناد جملگی متعلق به اواخر سال‌های حکمرانی حکومت پهلوی هستند یا به بررسی نقش افراد ذی‌مسئولیت در آن برهه خاص مربوط می‌شوند. در رأس این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب پیدایش و گسترش دانشگاه جندی‌شاپور (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶) اشاره کرد. این کتاب که در واپسین سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، که در انتهای دوره زمانی این پژوهش است، نگاشته شده، می‌تواند دایرةالمعارفی از دانشگاه جندی‌شاپور اهواز تا زمان انتشارش محسوب شود. این اثر ارزشمند قریب به نیم‌قرن نادیده گرفته شده است و چه‌بسا پژوهشگران از وجودش بی‌اطلاع بوده‌اند یا دسترسی به آن ممکن نبوده است. این کتاب دربرگیرنده اطلاعات جامعی از این دانشگاه است؛ روایت‌هایی از تاریخچه دانشگاه و رابطه‌اش با جندی‌شاپور ساسانی، گزارش‌هایی از بازدید خانواده سلطنتی پهلوی، اطلاعاتی از بخش‌های اداری، گروه‌های آموزشی، امکانات موجود در دانشگاه و برنامه‌های توسعه آینده. این کتاب مصور، از تصاویر پرشمار اما کمتر دیده‌شده‌ای برخوردار است که بخش قابل توجهی از آن‌ها بناهای معماری و نقشه‌های شهر دانشگاهی را شامل می‌شود. افزون بر تصاویر، این کتاب، بخشی با عنوان «طرح جامع شهر دانشگاهی» دارد که آن‌چنان که از عنوانش برمی‌آید، طرح جامع دانشگاه و

کانسپت معماری به کار گرفته شده در این شهر دانشگاهی، در این بخش به شکل اختصاصی نگاشته شده است که محتوا، ادبیات و شیوه نگارش بخش‌هایی از آن بسیار به نوشته‌های مؤژان خادم نزدیک است.

دیگر کتاب بسیار مهم، کتاب *تاریخچه مختصر دانشگاه جندی شاپور اهواز* (مجاب ۱۳۴۶) است. این کتاب نکات ارزشمند و بدیعی از چگونگی شکل‌گیری این دانشگاه، از بدو آغاز امور اداری و بروکراتیک را در بر می‌گیرد؛ گزارش‌هایی از مطالعات اولیه پیش از تأسیس دانشگاه تا مرحله تکوین آن در نیمه دوم دهه ۳۰ ارائه می‌دهد و توسعه این دانشگاه را تا زمان انتشارش در سال ۱۳۴۶، به مناسبت سالگرد بازدید محمدرضا شاه پهلوی و ملکه فرح پهلوی، روایت می‌کند. کتاب کمتر دیده شده دیگر، کتاب *پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم* (۱۳۵۱) است. این کتاب، آماری از توسعه و پیشرفت شهر دانشگاهی جندی شاپور ارائه می‌دهد و تصاویر ارزشمندی از بناهای این دانشگاه را به عنوان ثمره‌های انقلاب سفید در بر دارد. در این بین، کتب *نویافته رهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴* (۱۳۵۴) و *رهنمای تحصیلی دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷* (۱۳۵۷)، اگرچه آن چنان که از عناوین آن‌ها برمی‌آید، عمدتاً حاوی نکات آموزشی هستند، اطلاعات جامعی از تاریخچه دانشگاه و گروه‌های آموزشی آن، نقشه‌ها و تصاویر ارزشمندی را در خود جای داده‌اند. افزون بر این موارد، ویژه‌نامه *تاریخ شفاهی دانشگاه* (دادخواه و دیگران ۱۳۹۸) را می‌توان دیگر کتاب مهم این دسته برشمرد. این کتاب دربرگیرنده خاطرات و اطلاعات شفاهی دانشگاهیان از دانشگاه جندی شاپور اهواز است و نکات قابل توجهی از اندیشه و اقدامات رؤسا و افراد ذی‌نقوذ در دهه منتهی به انقلاب را ثبت نموده است. از جمله مطالب مهم این کتاب، می‌توان به نامه سید حسین نصر اشاره نمود که اندیشه مدیران عالی راجع به این دانشگاه و معماری آن را بیان می‌کند و از ارتباط آن با شکل‌گیری شیوه معماری خاصی در این شهر دانشگاهی پرده برمی‌دارد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با روش تحقیق تاریخی - تفسیری انجام شده است. گردآوری داده‌ها در این پژوهش، عمدتاً از طریق منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نگارندگان از تجربه زیسته در شهر دانشگاهی جندی شاپور برخوردارند و تلاش نموده‌اند تا به کمک شناخت عمیق و بی‌واسطه از آثار معماری این شهر دانشگاهی، تحلیل‌هایی عمیق‌تر ارائه دهند. از جمله این تلاش می‌توان به اصلاح برخی اشتباهات در تعمیم فعالیت و عملکرد یک معمار به طراحی کل شهر دانشگاهی اشاره کرد. همچنین، نگارندگان به کمک شناخت خود از این مجموعه دانشگاهی، تصویر منتشرشده در منابع را مورد صحت‌سنجی قرار داده‌اند و مواردی را که انتصاب تصویر و بنا در آن منابع به اشتباه صورت گرفته را تصحیح نموده و تصویر را با ذکر نام صحیح بنا به کار گرفته‌اند. در این پژوهش، بعد از حدود نیم‌قرن، دسترسی برای نخستین بار به منابعی اعم از *پیدایش و گسترش دانشگاه جندی شاپور (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶)*، *رهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴* (۱۳۵۴)، *رهنمای تحصیلی دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷* (۱۳۵۷) و *پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم* (۱۳۵۱) امکان‌پذیر شده است. از این‌رو برخی اسناد دست‌اول به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، برای نخستین بار مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، این اسناد نویافته درک کامل‌تری از طرح جامع و ابنیه شهر دانشگاهی جندی شاپور حاصل کرده‌اند و در پاسخ دادن به پرسش این پژوهش، نقشی بسیار مؤثر ایفا نموده‌اند. افزون بر به‌کارگیری منابع نویافته، نگارندگان، مصاحبه‌ها و خاطرات منتشرشده معماران فعال در شهر دانشگاهی را در قالب منابع کتابخانه‌ای مد نظر داشته و مورد مطالعه قرار داده‌اند. باین‌همه، نگارندگان به این منابع بسنده نکرده و از طریق برگزاری سلسله مصاحبه‌هایی با مؤژان خادم، به‌طور بی‌واسطه بر اندیشه و آثار او شناخت عمیق پیدا کرده‌اند. افزون بر این، نگارندگان جلسه‌ای مشترک با حضور مؤژان خادم و کامران دیبا، دو معمار در قید حیات که هر دو نقش‌هایی محوری در طراحی شهر دانشگاهی جندی شاپور داشته‌اند، برگزار نموده‌اند.^۹ حاصل این جلسه مشترک، علاوه بر دستیابی به داده‌ها و اطلاعات بدیع، بازنگری و صحت‌سنجی نقش هریک از آن‌ها در ارتباط با طرح جامع و معماری ساختمان‌های شهر دانشگاهی بوده است.

جدول ۱: دسته‌بندی پیشینه پژوهش

معماران ایران	قهاری ۱۳۸۶	پژوهش کلی درباره معماری معاصر ایران	پژوهش معماری و تاریخ‌نگاری معماری
معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته	بانی مسعود ۱۳۹۴		
بررسی نقش زنان معمار در معماری معاصر ایران (۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی)	خانانزاده، ارمغان، و سهیلی ۱۳۹۹		
<i>Unhiding The Hidden Portrait Of Pahlavi Women Builders In Sketching The Iranian Modernity: A Reassessment Of The Congress Of Women Architects.</i>	Tabibi 2021		
<i>The Women Architects of Iran, Their Practice and Influence</i>	Khaghani and Rasooli 2018		
باغی میان دو خیابان: چهار هزار و یک روز از زندگی کامران دیبا	دیبا ۱۳۹۳		
کامران دیبا؛ پروژه‌ها و ساختمان‌ها	دیبا ۱۳۹۲		
کامران دیبا را چگونه به یاد می‌آورم؟	امیدوار ۱۳۷۹		
یادگارهای آشنا کامران دیبا	افشارنادری ۱۳۷۹		
دیپاری دیگر با کامران دیبا	بسکی ۱۳۷۹		
کارهای رضا مقتدر	مقتدر ۱۳۸۵	پژوهش درباره یک معمار خاص (مقتدر، دیبا یا خادم)	پژوهش معماری و تاریخ‌نگاری معماری
نگاهی به ۲۰ سال معماری محمدرضا مقتدر در ایران	عظیمی، محمدی، و عبدلی ۱۳۹۴		
ابعاد عرفانی معماری: بحران محیط‌زیست	خادم ۱۳۹۳		
آشنایی با یکی از آرشیف‌های ایرانی و کارهای وی	هنر و معماری ۱۳۵۱		
معماری و هویت	ایل ۱۳۸۷		
<i>Setting a Standard for Architecture in Islam: The Aga Khan School of Nursing in Karachi, designed by Payette Associates and Mozhan Khadem</i>	Architectural Record 1981		
<i>Indigenous high-tech</i>	Architectural Record 1987		
موزان خادم: ایران و فراتر از آن؛ گفت‌وگو با موزان خادم در مورد آثار معماری او در ایران، پاکستان، مصر، ترکیه و آمریکا	همتی و سیدی ۱۴۰۰		
در امتداد زمان و مکان: بررسی و تحلیل اندیشه «معماری ممتد» در پروژه پردیس مرکزی دانشگاه قوچ	سیدی و همتی ۱۴۰۲		
<i>Modernism and Mysticism: Mozhan Khadem's Architectural Journey</i>	Seyedi, Mehan, Hemmati 2025		
پژوهش درباره معماری دانشگاه جندی‌شاپور	در جست‌وجوی هویت شهری اهواز	مجتهدزاده و نام‌آور ۱۳۹۴	اسناد و تألیفات (دهه پنجاه شمسی)
کتاب معماری و اندیشه	مظهری و گلذی ۱۳۹۴		
پیدایش و گسترش دانشگاه جندی‌شاپور	میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶		
تاریخچه مختصر دانشگاه جندی‌شاپور اهواز	مجاب ۱۳۴۶		
پیشرفت‌های دانشگاه جندی‌شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم	۱۳۵۱		
راهنمای دانشگاه جندی‌شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴	۱۳۵۴		
راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی‌شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷	۱۳۵۷		
ویژه‌نامه تاریخ شفاهی دانشگاه: آثار نوشتاری دانشگاهیان به‌مناسبت آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز	دادخواه و دیگران ۱۳۹۸		

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

داده‌های به‌دست‌آمده از مراجع ذکرشده از طریق «دستگاه واکاوی فرم» که روشی برای تحلیل وجوه کیفی (تفسیری) و عینی (توصیفی) ابنیه است، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. این دستگاه در بخش واکاوی کیفی (تفسیری) شامل شاخص‌های «بصری، زیبایی‌شناسی»، «معنایی، مفهومی»، «تاریخی، هویتی»، «فرهنگی، اجتماعی» و «سیاسی، اقتصادی» و همچنین در بخش واکاوی عینی (توصیفی)، شاخص‌های «هندسه»، «آرایه و نماد» و «ساختارشناسی فرم» است که از زیرشاخص‌های مختلف برخوردار است (طایفه، حجت، و انصاری ۱۳۹۴، ۸۷). با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، عوامل کیفی مطرح‌شده در «دستگاه واکاوی فرم»، به‌دلیل اشتراک بستر ابنیه هم‌پوشانی دارد، در این پژوهش صرفاً بر شاخص‌های عینی دستگاه مذکور تأکید شده است. در این بین، شاخص هندسه متشکل از «هندسه نما»، «هندسه پلان» و «هندسه فرم» است؛ شاخص آرایه و نماد دربرگیرنده «تزیینات»، «نمادها»، «اعداد و تقسیم‌بندی‌ها»، «رنگ» و «مصالح» در نظر گرفته شده است و درنهایت شاخص ساختارشناسی فرم، «الگوی اصلی فرم»، «عناصر الگووارانه فرم»، «مفاهیم فرمی» و «انطباق کاربری الگوی فرم» را شامل می‌شود. همچنین با توجه به اینکه دستگاه طایفه و همکاران (۱۳۹۴) صرفاً براساس ارزیابی یک بنا تدوین شده، به‌منظور سنجش رابطه احتمالی بناها با یکدیگر، شاخص «هم‌نشینی فضاها» و شاخص «ارتباط با بناهای پیرامون» نیز به شاخص‌های در نظر گرفته‌شده، افزوده شده است.

۴. دانشگاه جندی‌شاپور: احضار یک هویت تاریخی

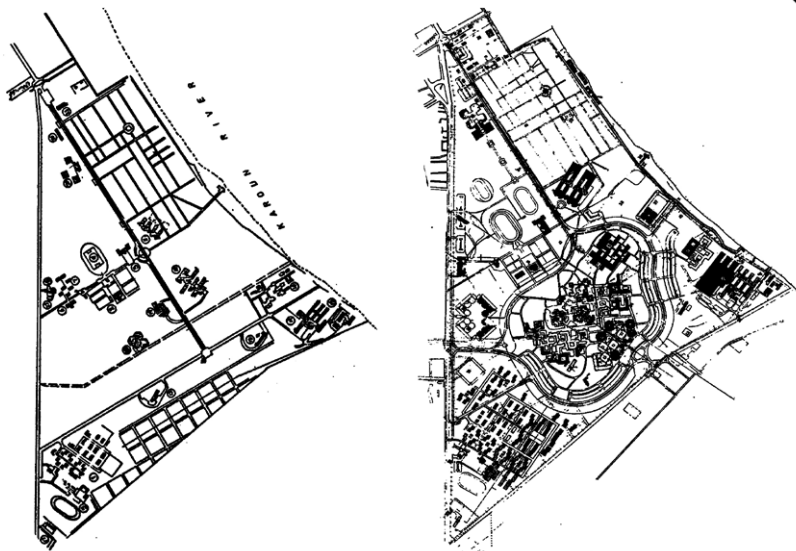
دانشگاه جندی‌شاپور اهواز را می‌توان نخستین مرکز جامع آموزش عالی در جنوب غرب کشور دانست که فعالیت آموزشی خود را از سال تحصیلی ۱۳۳۴ آغاز نمود. به‌رغم تأسیس دست‌کم دو مرکز آموزش عالی وابسته به وزارت نفت (شرکت نفت انگلیس و ایران) در آبادان، یعنی دانشکده نفت و آموزشگاه عالی پرستاری شرکت نفت به‌ترتیب در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰، دانشگاه جندی‌شاپور اهواز عنوان «دانشگاه» را یدک می‌کشد (آمار آموزش عالی ایران در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی ۱۳۵۵، ۱۳-۱۵). تأسیس این دانشگاه، تابع قانون «تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها» مصوب سوم خرداد ۱۳۲۸ صورت گرفت؛ چراکه در متن این قانون، وزارت فرهنگ ملزم به تأسیس دانشکده پزشکی در اهواز شده بود (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون‌گذاری ۱۳۲۹، ۱۸۳-۱۸۴). در واقع شکل‌گیری دانشگاه در خوزستان، افزون بر بهره‌گیری حداکثری از پتانسیل‌های موجود در استان ششم^۱ جهت رفع نیازهای ناشی از جمعیت، اقتصاد، بهداشت و صنعت این منطقه، مشخصاً واجد وجهی نمادین نیز به حساب می‌آمد. به‌طوری‌که استقرار بقایای شهر باستانی جندی‌شاپور^{۱۱} در خوزستان، به‌عنوان برجسته‌ترین مرکز آموزش عالی تاریخ ایران، انگیزه مضاعفی برای تأسیس دانشگاه در همین منطقه محسوب می‌شد؛ خاصه آنکه حکومت پهلوی میل شدیدی برای اتصال هویت خود به سلسله شاهنشاهی‌های پیش از اسلام به‌ویژه هخامنشیان و ساسانیان نشان می‌داد (Shahbazi & Richter- 2018, 133; Amanat 2017, 439).

بدین ترتیب، جندی‌شاپور ساسانی که دانشگاه و بیمارستان آن سرآمد مراکز آموزشی ایران دانسته می‌شد (Shah- bazi & Richter-Bernburg 2018, 133) باری دیگر از طریق دانشکده پزشکی جدیدالتأسیس - به‌عنوان بنیان این مجموعه - به‌طور نمادین باززایی شد. چنان‌که تأکید بر نمادهای تاریخی افزون بر نام‌گذاری دانشگاه جدید به «گندی شاپور» - و سپس «جندی‌شاپور» - در سخنرانی‌ها، منابع مکتوب و نشان (لوگو)ی وقت دانشگاه نیز مشاهده می‌گردد. در رأس این اشارات، می‌توان به محتوای سخنرانی شخص محمدرضا پهلوی، طی بازدید از این دانشگاه به تاریخ ۹ اسفند ماه ۱۳۴۵ و گزارش ریاست وقت دانشگاه، از روز بازدید اشاره نمود که با ارجاع به این هویتی تاریخی از آن روز به‌عنوان «روز احیای دانشگاه جندی‌شاپور» و مبدأ حیات نوین آن «مؤسسه باستانی» نام برده است (مجاب ۱۳۴۶، ۳۶-۵). همچنین محمدرضا پهلوی در معرفی عباس جامعی به‌عنوان رئیس جدید دانشگاه جندی‌شاپور، این دانشگاه را «از کهن‌ترین مؤسسات آموزش عالی دنیا» می‌داند و موقعیت مکانی آن را «در مهد تمدن ایران و ایران‌زمین و پایتخت هخامنشی و سلسله‌های مهم شاهنشاهی ایران» ذکر می‌کند (پیشرفت‌های دانشگاه جندی‌شاپور در دهه

انقلاب شاه و مردم ۱۳۵۱، ۱). افزون بر این موارد، در کتاب *پیدایش و گسترش دانشگاه جندی شاپور* (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶)، بخش‌هایی مرتبط با جندی شاپور ساسانی وجود دارد به طوری که برخی پژوهش‌های معرفی شده در این کتاب، به طور خاص به جندی شاپور ساسانی مربوط می‌شود. همچنین، مقدمه *راهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴* (۱۳۵۴) و *راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷* (۱۳۵۷) نیز مستقیماً به رابطه دانشگاه جدیدالتأسیس جندی شاپور اهواز و جندی شاپور ساسانی اشاره می‌کنند و آن را میراث‌دار آن مرکز علمی باستانی می‌دانند.

۵. معماری دانشگاه جندی شاپور

برخلاف اهمیت نمادین دانشگاه جندی شاپور، این دانشگاه از بدو تأسیس در سال ۱۳۳۴ تا پایان برنامه سوم عمرانی در سال ۱۳۴۶ وضعیت چندان مساعدی نداشت به طوری که به‌رغم واگذاری بخشی از اراضی منطقه گلستان اهواز به دانشگاه، نخستین دانشکده‌ها در سطح شهر و استان پراکنده بودند و از این‌رو این دانشگاه عملاً فاقد محیط دانشگاهی به حساب می‌آمد (مجاب ۱۳۴۶، ۵۰-۶۰). با این حال، حین برنامه چهارم عمرانی، بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱، پس از جلب شدن نظر شخص محمدرضا پهلوی به دانشگاه جندی شاپور، توسعه پرسرعت این دانشگاه مورد تأکید قرار گرفت. محمدرضا پهلوی به‌صراحت از «طرحی برای گسترش» دانشگاه صحبت به میان آورد که آن را در «شمار بزرگ‌ترین دانشگاه‌های ایران» قرار دهد؛ همچنان که تأکید می‌کرد «هرچه زودتر» علاوه بر امتیازات بالای آموزشی و علمی و امکانات مادی و مالی، دانشگاه در «ساختمان‌های مورد نیاز موقعیتی درخشان به دست آورد» (پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم ۱۳۵۱، ۱). این پشتیبانی با بیش از ده برابر شدن بودجه دانشگاه، از ۳۳ میلیون ریال در «پیش از انقلاب [سفید]» به بیش از ۳۵۶ میلیون ریال در زمان انتشار کتاب در سال ۱۳۵۱، همراه بود (پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم ۱۳۵۱، ۶). این وضعیت موجب شد تا طی برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم، عملاً از سال ۱۳۴۷ تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آنچنان توسعه قابل توجهی در اراضی واگذار شده به دانشگاه روی دهد که در طول کمتر از یک دهه، «شهر دانشگاهی جندی شاپور» پدید آید (تصویر ۱).



تصویر ۱: نقشه شهر دانشگاهی جندی شاپور در سال‌های ۱۳۵۴ (سمت چپ) و ۱۳۵۷ (سمت راست) که بیانگر توسعه بسیار پرسرعت این دانشگاه است (راهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴ (۱۳۵۴) و راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷ (۱۳۵۶)).

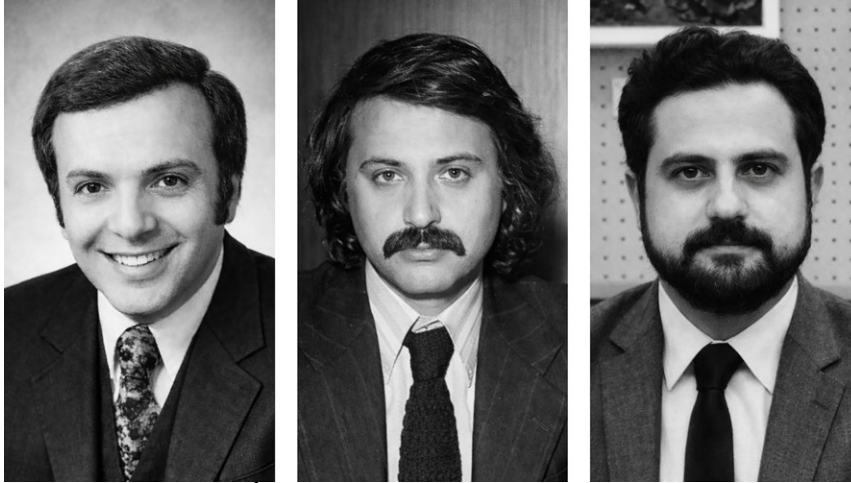
احیای هویت تاریخی، در شکل‌گیری کالبد این شهر دانشگاهی نیز به‌شدت مورد تأکید بوده است؛ چنان‌که سید حسین نصر، فیلسوف سنت‌گرای معاصر، به‌عنوان یکی از افراد کلیدی در شکل‌گیری شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، در نامه‌ای که به‌مناسبت شصت‌مین سالگرد تأسیس دانشگاه تقریر نمود، آشکارا به این مهم اشاره می‌کند: «بارها اصرار کردم که تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور فرصت خوبی است برای ساختن یک دانشگاه بزرگ به سبک اصیل ایرانی. خوشبختانه آقای دکتر جامعی نیز در این امر با بنده هم‌فکر بودند. یکی از مهندسان بسیار باذوق آن زمان به نام مهندس مقتدر... برای این کار انتخاب شد و الحق که طرح بسیار زیبا و اصلی به وجود آورد. به خاطر دارم که هنگام مراسم افتتاح دانشگاه بسیاری از حضار اذعان داشتند که این دانشگاه از لحاظ معماری، زیباترین و اصیل‌ترین دانشگاه در ایران است» (نصر ۱۳۹۸، ۲۳۰-۲۳۱). بدین ترتیب میل به احیای هویت تاریخی که سابقاً در ارکان مختلف دانشگاه جندی‌شاپور به‌وسیلهٔ ارجاع به شاهنشاهی ساسانی در قالب باستان‌گرایی نمود پیدا کرده بود، هنگام توسعهٔ کالبدی دانشگاه، از آغاز برنامهٔ چهارم عمرانی، خاصه هم‌زمان با ریاست دکتر عباس جامعی، در قالب «سبک اصیل ایرانی» مطرح گردید.

شاهد دیگر، بخش‌هایی از کتاب *پیدایش و گسترش دانشگاه جندی‌شاپور* است که به‌طور مشخص به طرح جامع دانشگاه می‌پردازد و ذیل تیتیر *فلسفهٔ طراحی دانشگاه*، آن را چنین مطرح می‌کند: «طرح معماری دانشگاه بر طبق اصول معماری ایرانی پیاده گردیده است باین معنی که در طراحی آن اهمیت ایجاد بافتی از فضاهای سرباز (حیاط) و فضاهای سرپوشیده (ساختمان‌ها) در نظر گرفته شده. در نتیجه معماری آن یادآور نمونه‌ها و مثال‌های زیبایی تاریخ هنر ایران، معماری فضاهای ممتد داخلی و حیاط‌های متنوع می‌باشد که همواره بیننده را احاطه می‌کند. در این نوع طراحی معماری و باسازی با یکدیگر تلفیق می‌شوند همچنان‌که این حیاط‌های زیبا با ریتم مخصوص فضایی خود در مقابل چشم بیننده شکوفا می‌شوند. ایجاد احساسات هنری عمیقی بر انسان می‌نمایند که برانگیخته هیچیک از قسمت‌های مخصوص مجموعه از لحاظ زمانی و مکانی نیست بلکه مربوط به کلیه بافت معماری می‌باشد که در حال حرکت ملاحظه شده است. مسئله دیگری که از لحاظ طراحی قابل اهمیت است آب و هوای خوزستان می‌باشد، سایه‌بان‌های وسیعی برای جلوگیری از نور آفتاب و درختکاری‌های میدان مرکزی دانشگاه با توجه مخصوص به شرایط اقلیمی پیش‌بینی شده‌اند. هندسه کلی طرح جامع دانشگاه ترکیبی از هشت ضلعی و چهار ضلعی است که بسیاری از نقشه‌های ابنیه قدیمی ایران براساس این هندسه بنا شده است. اکنون به جرأت جملگی برآند که زیباترین مجموعه دانشگاهی در ایران منحصر است به دانشگاه جندی‌شاپور» (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶، ۵۱).

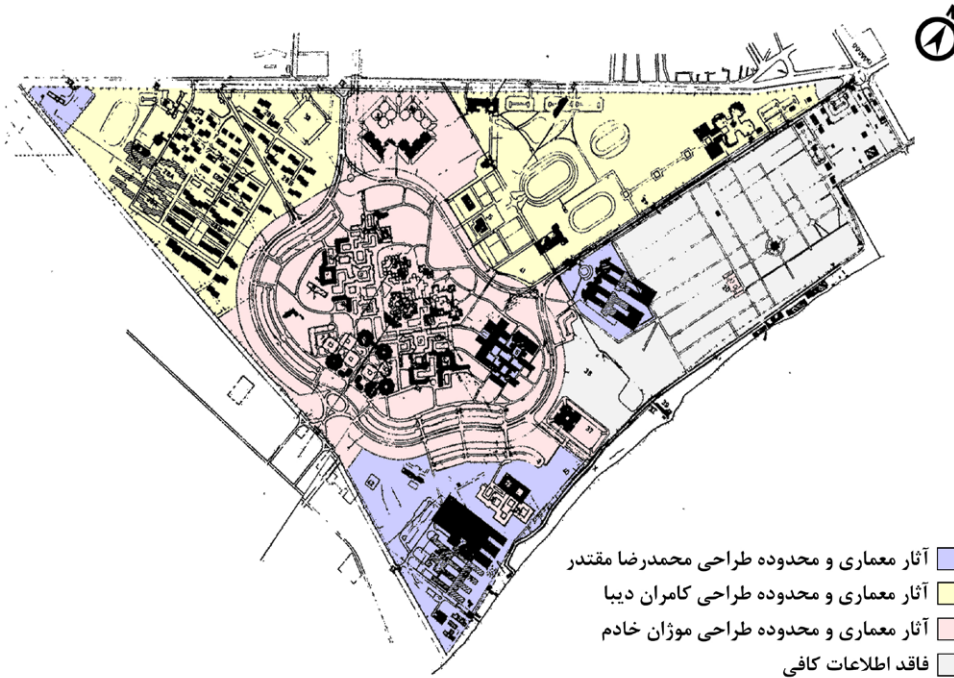
بدین ترتیب، طلب کردن و درخواست معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» بستر حضور معماران مجربی را فراهم آورد که از توانایی طراحی بر پایهٔ اصول مذکور برخوردار بودند. بدین منظور محمدرضا مقتدر (مهندس مشاور «مقتدر - آندرف» و «مدام»)، کامران دیبا (مهندس مشاور «داس» و مؤژان خادم («پرکینز اند ویل» و «مؤژا و همکاران») فرا خوانده شدند تا هر کدام در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور پروژه‌هایی به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» طراحی نمایند (تصویر ۲). با توجه به نقش محوری هریک از معماران نام‌برده در طراحی بناهای شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، نحوهٔ ورود آن‌ها به این دانشگاه و چگونگی فعالیتشان در این شهر دانشگاهی بیان می‌گردد و بدین ترتیب پروژه‌های معماری منسوب به هریک از این معماران تدقیق می‌شود. سپس با نگاهی جامع به مجموعهٔ آثار طراحی شده به‌وسیلهٔ هر کدام از آن‌ها، به کمک «دستگاه واکاوی فرم در معماری» نحوهٔ بازتولید معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (تصویر ۳).

۶. واکاوی فرمی آثار معماری دانشگاه جندی‌شاپور

دستگاه واکاوی فرم به‌کاررفته در این پژوهش براساس دستگاه ارائه‌شده توسط طایفه و همکاران (۱۳۹۴، ۸۷) تنظیم شده است. باین‌حال نظر بر اینکه دستگاه مینا، جهت پاسخ‌گویی به تک‌بنا طراحی گردیده و علاوه بر این، بناهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر نیز در بستر زمانی - مکانی مشابه واقع شده‌اند، با ارائهٔ تغییراتی در آن، دستگاه جدید پدید



تصویر ۲: پرتره‌هایی از جوانی مقتدر (سمت راست)، دیبا (وسط) و خادم (سمت چپ)، تقریباً هم‌زمان یا کمی قبل از فعالیت آن‌ها در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز (از راست به چپ: آرشیو شخصی خانواده مقتدر منتشر شده در بی‌بی‌سی فارسی ۱۴۰۳؛ آرشیو عکس آلامی (Alamy)؛ مجله هنر معماری ۱۳۵۱، ۴۳) (کیفیت تصاویر با حفظ کامل اصالت به عکس‌های مرجع، به کمک هوش مصنوعی چت جی‌بی‌تی بهبود یافته است).



- آثار معماری و محدوده طراحی محمدرضا مقتدر
- آثار معماری و محدوده طراحی کامران دیبا
- آثار معماری و محدوده طراحی موزان خادم
- فاقد اطلاعات کافی

تصویر ۳: نقشه شهر دانشگاهی جندی‌شاپور که محدوده فعالیت هریک از معماران را مشخص می‌کند (راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی‌شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷ (۱۳۵۷) (پرداخت از نگارندگان)).

آمده است. دستگاه مبنا متشکل از بخش واکاوی کیفی (تفسیری) و بخش واکاوی عینی (توصیفی) است که با توجه به یکسان بودن عمده پاسخ‌های مربوط به شاخص‌های واکاوی کیفی (تفسیری) در آثار تحت مطالعه، تنها شاخص‌های بخش واکاوی عینی (توصیفی) که در قالب‌های کلی هندسه، آرایه و نماد، و ساختارشناسی فرم مطرح شده‌اند، در دستگاه

جدید مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین نظر بر اینکه دستگاه مبنا به منظور واکاوی فرم تک‌بنا طراحی شده است، برای واکاوی عمیق‌تر بناهای مورد مطالعه در این پژوهش، خاصه در وام‌گیری از الگوهای فضایی معماری تاریخی و همچنین سنجش رابطه احتمالی بناها با یکدیگر، شاخص هم‌نشینی فضاها و شاخص ارتباط با بناهای پیرامون نیز به شاخص‌های پیشین افزوده شده است. به بیان دیگر، با تجمیع و ادغام برخی زیرشاخص‌ها بخش واکاوی عینی (توصیفی) دستگاه مبنا و شاخص‌هایی که برای سنجش رابطه احتمالی بناها با یکدیگر تعریف شده‌اند، دستگاه جدید از شاخص‌های ارتباط با بناهای مجاور، هم‌نشینی فضاها، هندسه، ساختار فرم و آرایه و نماد تشکیل شده است.

۱.۶. آثار معماری محمدرضا مقتدر

محمدرضا مقتدر، پیش از سایر معماران محوری نام‌برده‌شده در این پژوهش، طراحی برخی از ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز را عهده‌دار بود و از این رو متقدم‌ترین معمار در بین معماران محوری نام برده شده است. او در دو برهه زمانی مختلف، یک بار در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ به‌وسیله مهندسان مشاور «مقتدر - آندرف» و یک بار دیگر در اواخر دهه ۴۰ تا نیمه دهه ۵۰ از طریق مهندسان مشاور «مدام»، در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز فعالیت نمود. اگرچه در مرتبه اول فعالیت مقتدر، نمی‌توان مرزبندی دقیقی بین چگونگی فعالیت او و سایر معماران ارائه کرد اما به‌طور مشخص در مرتبه دوم فعالیت، می‌توان مقتدر را معمار اصلی ساختمان‌ها به حساب آورد (قهاری ۱۳۸۶، ۳۶ و ۶۲). مقتدر در سال ۱۳۳۸، همراه با «نکتار پاپازیان» از طریق دفتر «مقتدر - آندرف» به‌عنوان مهندسان مشاور سازمان برنامه در دانشگاه جندی‌شاپور فعالیت نمود که این همکاری منجر به تهیه «طرح جامع دانشگاه جندی‌شاپور» و «برنامه پانزده‌ساله کارهای ساختمانی» شد (مجاب ۱۳۴۶، ۶۴).^{۱۲} در این بین به نظر می‌رسد نقش پاپازیان در طراحی طرح جامع و بیمارستان بیشتر باشد (قهاری ۱۳۸۶، ۳۶ و ۶۲). هرچند که تکمیل بیمارستان توسط شرکت «مهاگان» و با نقش برجسته عبدالعزیز فرمانفرمائیان صورت گرفت (بهرروز و اشراقی ۱۳۵۰، ۱۹۳). در همین مرحله، در سال ۱۳۳۹ ساختمان خوابگاه دانشجویان (بعدها شناخته‌شده به‌عنوان خوابگاه پسران یا خوابگاه شماره یک دانشجویان) نیز طراحی شد که در نهایت در سال ۱۳۴۴ ساخته شد. این ساختمان از معماری‌ای مدرنیستی برخوردار بود و پیش از مطرح شدن معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» طراحی و ساخته شده بود. مرتبه دوم فعالیت مقتدر از واپسین سال‌های دهه ۴۰ تا اوایل دهه ۵۰ هم‌زمان با عزم جدی توسعه دانشگاه مطابق با بازتولید معماری اصیل ایرانی صورت گرفت. مقتدر در این دوره معمار محوری مهندسان مشاور مدام در طراحی ساختمان‌های شهر دانشگاهی جندی‌شاپور بود و عهده‌دار طراحی دانشکده کشاورزی (۱۳۵۲)، دانشکده علوم (۱۳۵۲) و آموزشگاه عالی پرستاری (۱۳۵۴) محسوب می‌شد (تصویر ۳) (قهاری ۱۳۸۶، ۶۲؛ مظهري و گدازی ۱۳۹۴، ۳۰ و ۳۶).

در این بین، در سال ۱۳۴۹ مجموعه‌ای متشکل از ساختمان خوابگاه شماره دو دانشجویان و ساختمان خوابگاه شماره سه دانشجویان، ساختمان سلف سرویس دانشجویان و یک استخر سرباز، در شرق شهر دانشگاهی جندی‌شاپور افتتاح می‌شود. هرچند در منابع نامی از «مقتدر»، «مدام» یا «مقتدر - آندرف» دیده نمی‌شود، زبان معماری این ساختمان‌ها، خاصه خوابگاه‌ها، به ساختمان آموزشگاه عالی پرستاری شباهت دارد. همچنین مقتدر در مقاله خود با عنوان کارهای رضا مقتدر تصویری از ساختمان‌های این مجموعه را منتشر کرده، اما آن را به‌اشتباه تصویری از «دانشکده علوم اهواز» معرفی کرده است (مقتدر ۱۳۸۵، ۹۳). با توجه به این دو مورد و همچنین عدم فعالیت دیگر معماران محوری در محوطه شرقی شهر دانشگاهی، به‌احتمال قوی بتوان مقتدر را معمار این مجموعه دانست. با این‌همه، سال ۱۳۴۹، سال آغازین ریاست دکتر جامعی است و از این رو معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» در زودترین حالت در این سال مطرح شده است. از این رو، با توجه به تأسیس این مجموعه در سال ۱۳۴۹، بدیهی است این مجموعه پیش از سال ۱۳۴۹ و دوره ریاست دکتر جامعی و بیان کانسپت واحد معماری دوره او طراحی شده است. علاوه بر این، ساختمان دانشکده علوم تربیتی دیگر بنا موجود در نزدیکی پروژه‌های مقتدر است که شباهت زیادی با دیگر آثار مقتدر، خاصه مجموعه خوابگاهی مذکور و ساختمان آموزشگاه عالی پرستاری دارد و از این رو عضو پروژه‌های او در نظر گرفته می‌شود.

بررسی آثار مقتدر نشان می‌دهد که او در طراحی ساختمان خوابگاه شماره دو دانشجویان و ساختمان خوابگاه شماره سه دانشجویان، ساختمان سلف‌سرویس دانشجویان و استخر سرباز، آن‌ها را یک مجموعه در نظر گرفته و ساختمان‌ها را با هماهنگی و ارتباط با یکدیگر، طراحی نموده است. با این‌همه، با وجود شباهت بین ساختمان‌های این مجموعه با آموزشگاه عالی پرستاری، که همین شباهت یکی از دلایل منسوب کردن طراحی مجموعه مذکور با احتمال بسیار زیاد به مقتدر است، ارتباط معناداری میان آن‌ها دیده نمی‌شود. در واقع به نظر می‌رسد مقتدر در طراحی آثار خود، به‌استثنای مجموعه خوابگاهی، هر بنا را به شکل منفرد و مجزا در نظر گرفته و ارتباط خاصی میان آن‌ها قائل نشده است. هرچند این مهم با توجه به فاصله میان موقعیت بناهای درخواست‌شده از او اجتناب‌ناپذیر بوده است، به‌رغم فاصله کم دانشکده کشاورزی و دانشکده علوم، که هر دو در مرکز شهر دانشگاهی واقع شده‌اند نیز، همچنان ارتباط معنادار میان این دو بنا قابل رؤیت نیست. بهره‌گیری از هندسه مستطیل شکل در طرح انداختن حیاط‌های مرکزی مشجر دانشکده کشاورزی و دانشکده علوم و قرار دادن فضاهای گوناگون پیرامون آن‌ها از ارجاعاتی تاریخ‌گرایانه برخوردار است. همچنین، هم‌نشینی فضاها نیز متأثر از معماری تاریخی ایران درک می‌شود به‌طوری‌که در دانشکده کشاورزی هر راهرو به یک گروه آموزشی اختصاص داده شده و در دانشکده علوم نیز هر گروه آموزشی در بازویی قرار می‌گیرد که پیرامون یک حیاط واقع شده است، همان‌طور که در بازارهای تاریخی، هر صنف رسته‌ای متعلق به خود دارد یا پیرامون یک میان‌سرا شکل می‌گیرد. نماهای بناهای طراحی‌شده توسط مقتدر از ارجاعاتی تاریخ‌گرایانه، بر پایه طاق‌های مازهدار برخوردارند، به‌طوری‌که در خوابگاه شماره دو دانشجویان، خوابگاه شماره سه دانشجویان، دانشکده علوم تربیتی و آموزشگاه عالی پرستاری، رد طاق‌ها به چشم می‌خورد به‌طوری‌که تمام یا قسمتی از انحنا (خیز) طاق‌ها از حجم سلب‌نمای ساختمان کاسته شده است. در واقع فضای منفی و مثبت کنار یکدیگر هندسه طاق مازهدار را به یاد می‌آورند. در دانشکده کشاورزی طاق‌های مازهدار بر جداره افزوده شده و ردیف‌هایی از طاق‌ها را تشکیل داده‌اند و در دانشکده علوم با فاصله گرفتن طاق‌ها از جداره، فضای نیمه‌باز رواق پدید آمده است. با این‌همه پوشش سقف راهرو اصلی دانشکده کشاورزی، به شفاف‌ترین حالت ارجاع تاریخی را به نمایش می‌گذارد؛ پوشش این راهرو متشکل از اتصال قطارگونه و محوری طاق‌های کلبوست که در وسط محور خود ورودی اصلی دانشکده را نیز در بر می‌گیرد. در این بین، به‌تبع برخورد متعامد دو محور اصلی در قسمت ورودی دانشکده، یعنی محل برخورد محور ورودی و محور راهرو اصلی، پوشش سقف این بخش از طاق‌های کلبوی بتنی به گنبد بتنی بر پایه هشت‌ضلعی، با هندسه هشت و نیم‌هشت تبدیل می‌شود. این گنبد بر هشتی ورودی قرار گرفته و از طاق‌های کلبوی پیش و پس خود مرتفع‌تر است، در مرکز خود حفره‌ای همچون هورنو دارد و از این‌رو با تأکید بر فرم ورودی، ساختمان را شاخص می‌نماید. افزون بر این، ساختمان سلف‌سرویس دانشجویان نیز از بخشی متشکل از هم‌نشینی ۹ گنبد بتنی برخوردار است که ترکیب و نحوه قرارگیری این گنبدها یادآور پوشش سقف در بناهای تاریخی است. مصالح عمده به‌کاررفته در همه بناها آجر است و تزیینات آجری نیز به‌شکل محدود، خاصه برای پوشاندن دریچه‌ها به کار رفته‌اند. با این‌حال، بتن نیز در تابش‌بندهای ساختمان آموزشگاه عالی پرستاری، دانشکده علوم تربیتی، خوابگاه شماره دو دانشجویان، خوابگاه شماره سه دانشجویان و سلف سرویس دانشجویان به کار رفته است. همچنین پوشش سقف گنبدی راهرو اصلی دانشکده کشاورزی و بخش گنبدی ساختمان سلف‌سرویس دانشجویان نیز از جنس بتن است. بدین ترتیب معماری محمدرضا مقتدر برای طراحی به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» عمدتاً از هم‌نشینی فضاها، هندسه، ساختار فرم و آرایه و نماد بهره گرفته است (تصویر ۴).

۶.۲. آثار معماری کامران دیبا

کامران طباطبایی دیبا، یکی از شناخته‌شده‌ترین معماران معاصر ایران است که در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، با عنوان «مهندسین مشاور داض» و «داض - پرکینز اند ویل»^{۳۱} فعالیت نموده است. آثار دیبا در این دانشگاه در یک مقطع زمانی به‌طور هم‌زمان طراحی و ساخته نشده‌اند، بلکه به‌مرور و یکی پس از دیگری شکل گرفته‌اند. آنچه در ارتباط با فعالیت او بسیار قابل توجه است، ارائه تغییراتی عمده در برنامه‌های فیزیکی اولیه کارفرما، به‌کارگیری نوعی راهبرد پنهانی و انجام اموری غیررسمی برای فراهم ساختن وضعیتی مطلوب در آینده است که منجر به استمرار فعالیت او در

دانشکده کشاورزی



۱۳۵۲-۱۳۵۰

دانشکده علوم



۱۳۵۲-۱۳۴۹

سلف سرویس دانشجویان



تکمیل در ۱۳۴۹

خوابگاه شماره دو



تکمیل در ۱۳۴۹

خوابگاه شماره سه



تکمیل در ۱۳۴۹

دانشکده علوم تربیتی



تکمیل بین ۱۳۵۶-۱۳۵۰

مدرسه عالی پرستاری



تکمیل در ۱۳۴۹

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱۸۳

تصویر ۴: آثار محمدرضا مقتدر در شهر دانشگاهی جندی شاپور (ردیف اول از سمت راست: آرشیو کامران عدل، آرشیو نگارندگان (۱۴۰۰)، قهاری (۱۳۸۶)، مظهری و گدازی (۱۳۹۴). ردیف دوم از سمت راست: عظیمی و دیگران (۱۳۹۴)، بنیاد آقاخان (org.Archnet)، راهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴ (۱۳۵۴)، مظهری و گدازی (۱۳۹۴). ردیف سوم از سمت راست: بهروز و اشراقی (۱۳۵۰)، مقتدر (۱۳۸۵). ردیف چهارم از سمت راست: بهروز و اشراقی (۱۳۵۰)، پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم (۱۳۵۱)، میرعمادی و صرامی (۱۳۵۶). ردیف پنجم از سمت راست: میرعمادی و صرامی (۱۳۵۶)، بهروز و اشراقی (۱۳۵۰)، پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم (۱۳۵۱). ردیف ششم از سمت راست: میرعمادی و صرامی (۱۳۵۶)، بهروز و اشراقی (۱۳۵۰). ردیف هفتم: تصویر اول راهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴ (۱۳۵۴)).

پروژه‌های دیگر این دانشگاه گردد. نخستین فعالیت کامران دیبا در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور یا دست کم نخستین فعالیت او در منطقه غیرمسکونی این دانشگاه، طراحی ساختمان غذاخوری است که در نهایت با اعمال تغییرات قابل توجهی در برنامه فیزیکی به باشگاه دانشجویان بدل شد. پس از این، طراحی اتاقکی در باشگاه دانشجویان برای برپایی نماز مطرح شد که دیبا با ارائه پیشنهاد طراحی مسجدی کوچک در نزدیکی باشگاه دانشجویان به جای طراحی یک اتاقک محقر، موافقت کارفرما را اخذ نمود. دیبا با طراحی باشگاه دانشجویان (۱۳۴۷-۱۳۵۱) و مسجد (۱۳۴۷-۱۳۵۲)، براساس موقعیت آن‌ها و چگونگی استقرارشان، دست به طراحی یک محور زد و عملاً یک طرح جامع غیررسمی تنظیم نمود. اقدامات او برای ریاست دانشگاه رضایت‌بخش بود، تا حدی که طراحی ورزشگاه سرپوشیده (دانشکده تربیت بدنی امروزی) (۱۳۵۱-۱۳۵۵) در انتهای همین محور نیز به دیبا واگذار شد (دیبا ۱۳۹۸، ۱۲۴؛ دیبا ۱۳۹۲، ۵۵-۵۴). همچنین کوی استادان (۱۳۴۶-۱۳۵۱) و ساختمان مدیریت (سازمان مرکزی امروزی) (۱۳۵۱-۱۳۵۵) نیز دیگر پروژه‌هایی هستند که دیبا آن‌ها را طراحی کرد. دیبا برای شکل‌گیری ارتباط بیشتر بین ابنیه مستقر در محدوده (کناره) غربی و مرکز شهر دانشگاهی، مسیرهای پیاده متعددی را طراحی نمود که جز محور اصلی، هیچ کدام از آن‌ها ساخته نشدند. افزون بر این مسیرها، دیگر پروژه‌های ساخته‌نشده دیبا در شهر دانشگاهی عبارت‌اند از: طراحی میدانها بین باشگاه دانشجویان و مسجد، طرح گسترش مسجد و تبدیل آن به مرکز مطالعات مذهبی و مسجد، گسترش ورزشگاه سرپوشیده و طراحی یک زورخانه (۱۳۵۷) در مجاورت آن (دیبا ۱۳۹۲، ۵۳، ۵۵، ۶۱، ۶۳ و ۹۲) (تصویر ۵).

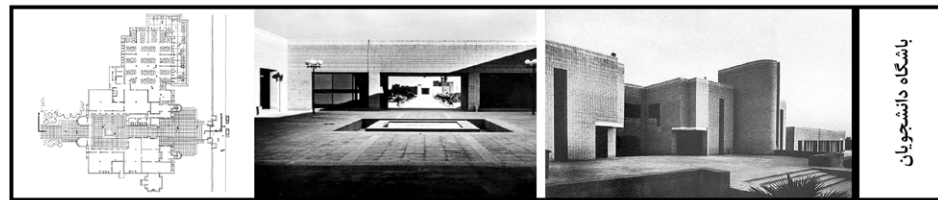
پروژه‌های دیبا عمدتاً در محدوده (کناره) غربی شهر دانشگاهی قرار گرفته‌اند. هرچند این پروژه‌ها جملگی تک‌بنا هستند و به‌شکلی مجزا واگذار و طراحی شده‌اند، دیبا تلاش کرده است ارتباط معناداری میان آن‌ها ایجاد نماید. بدین ترتیب، نوعی محور بین آن‌ها پدید آمده است که از ورودی تا مرکز شهر دانشگاهی امتداد می‌یابد. هندسه به‌کاررفته در آثار دیبا با رویکردی تاریخ‌گرا غالباً بر پایه مستطیل و مربع شکل گرفته است. دیبا در ساختمان سازمان مرکزی چهار بلوک مکعب‌شکل را حول یک حیاط مربع قرار داده و در کوی استادان بین بلوک‌های مسکونی، فضاهای مشترک مستطیل‌شکل کشیده را در نظر گرفته است. او در باشگاه دانشجویان حیاط مرکزی چهارگوش را به کار گرفته و حوضی چهارگوش نیز در مرکز «صحن» هشت‌ضلعی مسجد جانمایی کرده است. از این‌رو، هم‌نشینی فضاها در آثار دیبا عمدتاً مبتنی بر فضای اصلی مرکزی است که فضاهای فرعی حول آن شکل گرفته‌اند. برای مثال طرح کوی استادان بر پایه حیاط‌هایی مستطیل‌شکل است که دانه‌های مسکونی حول آن چیده شده‌اند؛ همین سازمان‌دهی در نحوه عملکرد حیاط و حجره‌های مسجد یا حیاط و اتاق‌های اداری در سازمان مرکزی تکرار شده است. در این بین، به نظر می‌رسد دیبا به طراحی نما به‌عنوان یک مقوله خاص و عنصری مستقل نمی‌پردازد، بلکه نمای معماری در غالب آثار او برآمده از همان فرمی است که به کار گرفته است. عمده آثار دیبا نماهایی خالص دارند که صرفاً سطوحی از آن‌ها کاسته شده است. این سطوح عمدتاً دربرگیرنده دروازه‌ها یا بازشوهاست که در این صورت عمدتاً هندسه‌ای چهارگوش، مستطیل و مربع‌شکل دارند یا در برخی موارد قطاعی از دایره‌اند.

بررسی پروژه‌های دیبا نشان‌دهنده عدم وام‌گیری مستقیم فرم‌های معماری او از معماری تاریخی است، با این حال فرم‌های او در پاسخ به عملکردهایی شکل گرفته‌اند که ارجاعاتی تاریخی دارند. برای مثال در طراحی باشگاه دانشجویان که یکی از ورودی‌های دانشگاه محسوب می‌شده است، نیم‌استوانه‌هایی طراحی شده که دروازه‌های شهرهای قدیمی ایرانی را تداعی می‌نمایند و نیم‌استوانه به‌کار گرفته‌شده در مسجد نیز، گنبد مساجد تاریخی را متبادر می‌کند. مصالح غالب آثار دیبا در شهر دانشگاهی - به‌جز ورزشگاه سرپوشیده - آجر است. استفاده از تزئینات آجری سنتی - چنان‌که در نوع خاصی از آجرچینی معماری بومی منطقه ریشه دارد - یکی از شاخصه‌های آثار دیبا محسوب می‌شود، به‌طوری‌که در جان‌پناه‌ها و پیرامون بازشوها به‌وضوح قابل مشاهده است و از این‌رو به‌طور آشکار بیانگر ارجاعی تاریخی است. در نتیجه چنین می‌توان بیان نمود که معماری کامران دیبا عمدتاً از طریق ارتباط با بناهای مجاور، هم‌نشینی فضاها، هندسه، آرایه و نماد به‌دنبال طراحی به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» است (تصویر ۶).



مسجد

۱۳۴۷-۱۳۵۲



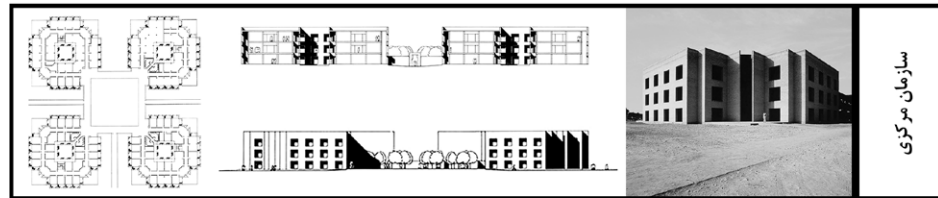
باشگاه دانشجویان

۱۳۴۷-۱۳۵۱



کوی استادان

۱۳۴۶-۱۳۵۱



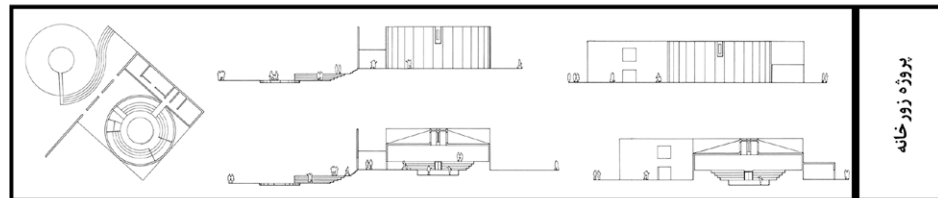
سازمان مرکزی

۱۳۵۱-۱۳۵۵



ورزشگاه سرپوشیده

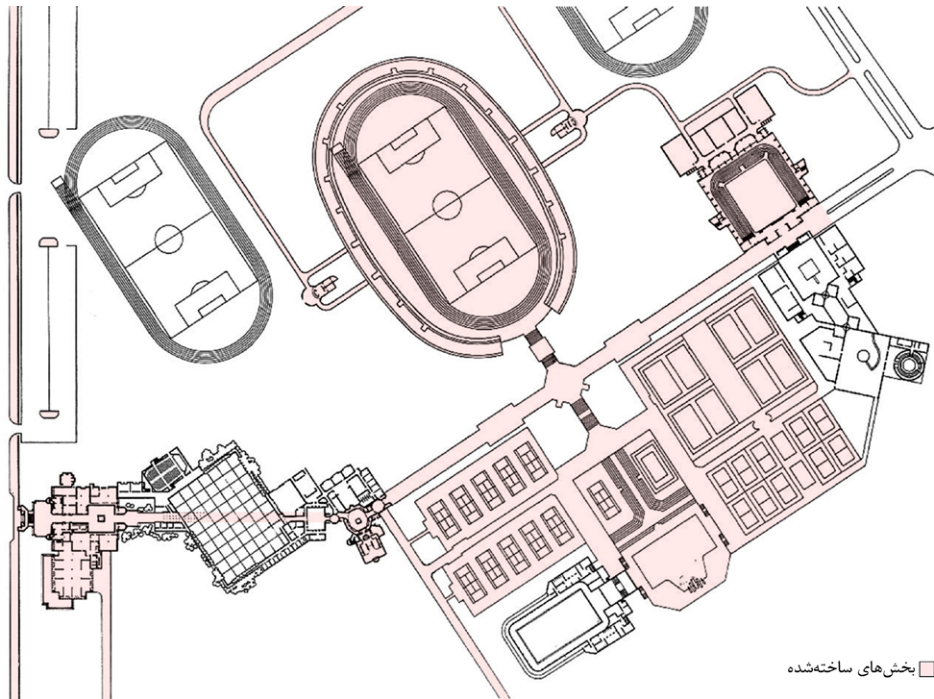
۱۳۵۱-۱۳۵۵



پروژه زورخانه

ساخته نشده

تصویر ۵: آثار کامران دیبا در شهر دانشگاهی جندی شاپور (ردیف اول: همگی از بنیاد آقاخان (Archnet.org). ردیف دوم از سمت راست: تصاویر اول و دوم از دیبا (۱۳۹۲)، تصویر سوم از بنیاد آقاخان (Archnet.org)، ردیف سوم از سمت راست: تصاویر اول و سوم از دیبا (۱۳۹۲)، تصویر دوم از بنیاد آقاخان (Archnet.org)، ردیف چهارم: همگی از دیبا (۱۳۹۲). ردیف پنجم: همگی از بنیاد آقاخان (Archnet.org)، ردیف ششم: همگی از دیبا (۱۳۹۲)).



تصویر ۶: محور طراحی شده توسط دیبا در لبه غربی شهر دانشگاهی (دیبا ۱۳۹۲). پرداخت از نگارندگان

۳.۶. آثار معماری مؤژان خادم

مؤژان خادم^{۱۴} آخرین معمار محوری فراخوانده شده به شهر دانشگاهی جندی شاپور اهواز است. او به رغم تأخر زمانی نسبت به دو معمار محوری دیگر، پروژه‌های بزرگ مقیاس و قابل توجهی را در این دانشگاه طراحی نموده است. تغییرات متعدد در مالکیت شرکت‌های محل اشتغال خادم، هم‌زمان با فعالیتش در این شهر دانشگاهی موجب شده است تا نام او با نام چند شرکت مختلف همراه باشد. مؤژان خادم فعالیت خود در شهر دانشگاهی جندی شاپور را با طراحی ساختمان کتابخانه مرکزی و موزه به درخواست اشرف پهلوی آغاز نمود. سپس طرح جامع دانشگاه و طراحی ساختمان دانشکده علوم انسانی (دانشکده مهندسی فعلی) در مجاورت ساختمان کتابخانه و موزه به او واگذار شد و در همین حین طراحی اقامتگاه خصوصی (ساختمان نارنجستان فعلی) و طرح توسعه بیمارستان گلستان را عهده‌دار شد. افزون بر این موارد، دیگر پروژه‌های طراحی شده توسط خادم در شهر دانشگاهی جندی شاپور اعم از مرکز هنرهای نمایشی در مجاورت کتابخانه مرکزی، دانشکده تکنولوژی، بیمارستان و مرکز پزشکی دانشگاه جندی شاپور و مرکز پزشکی اشرف پهلوی هیچگاه ساخته نشدند (همتی و سیدی ۱۴۰۰، ۸۵/continuousarchitecture.org). بدین ترتیب، افزون بر طراحی ساختمان‌های بزرگ مقیاس گوناگون و محوطه‌های پیرامونشان، تهیه طرح جامع شهر دانشگاهی نیز به‌طور رسمی به خادم واگذار شده بود. مقیاس بزرگ پروژه‌ها، هم‌زمانی پروژه‌ها با یکدیگر و رویکرد خاص و شخصی‌اش در طراحی بین معماری و منظر، جملگی منجر به سازمان‌دهی برخی از ساختمان‌ها در کنار یکدیگر به شکل یک مجموعه واحد شده است. این مهم در توضیحات راجع به طرح جامع شهر دانشگاهی نیز بیان شده است، به طوری که «در طراحی آن اهمیت ایجاد بافتی از فضاهای سرباز (حیاط) و سرپوشیده (ساختمان‌ها) در نظر گرفته شده. در نتیجه معماری آن یادآور نمونه‌ها و مثال‌های زیبای تاریخ هنر ایران، معماری فضاهای ممتد داخلی و حیاط‌های متنوع می‌باشد که همواره بیننده را احاطه می‌کند...» (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶، ۵۱). در نتیجه با توجه به تعداد، مقیاس، اهمیت و هم‌زمانی پروژه‌ها و تعمیم شیوه معماری او به معماری دانشگاه در تنها سند معتبر مرتبط با معماری شهر دانشگاهی جندی شاپور، مؤژان خادم را

می‌توان کلیدی‌ترین معمار محوری در شهر دانشگاهی جندی شاپور دانست. با این‌همه، به‌رغم فعالیت گستردهٔ خادم در شهر دانشگاهی، با توجه به اسناد و مدارک معماری موجود، تنها می‌توان در ارتباط با ساختمان کتابخانهٔ مرکزی و موزه، دانشکدهٔ علوم انسانی (دانشکدهٔ مهندسی فعلی)، اقامتگاه خصوصی (ساختمان نارنجستان فعلی)، پروژهٔ مرکز هنرهای نمایشی و پروژهٔ مرکز پزشکی اشرف پهلوی اظهار نظر نمود.

بررسی آثار موزان خادم، رویکردهای متفاوت طراحی او را نشان می‌دهد. یکی از شاخصه‌های آثار خادم تمایل وی برای ایجاد یک «کل» معنادار از اجزاست. بر همین اساس، با توجه به مجاورت ساختمان کتابخانه و موزه، دانشکدهٔ علوم انسانی و مرکز هنرهای نمایشی با یکدیگر، می‌توان شاهد شکل‌گیری ارتباط عمیق و معناداری میان این ساختمان‌ها بود، به‌طوری‌که به نظر می‌رسد مجموعه‌ای واحد و یک کل معنادار شکل گرفته است. این سه بنا که جملگی در هندسهٔ پلان، متشکل از هم‌نشینی هشت‌ضلعی‌های منتظمی هستند که به‌فراخور عملکرد تکرار شده‌اند. این هندسه، افزون بر اینکه مستقیماً در فرم بناها هویداست، بر رابطهٔ میان بناها نیز تأکید می‌کند. با توجه به اینکه «هندسهٔ کلی طرح جامع دانشگاه ترکیبی از هشت‌ضلعی و چهارضلعی است که بسیاری از نقشه‌های ابنیهٔ قدیمی ایران براساس این هندسه بنا شده است»، این ابنیه عملاً مصادیقی از آن محسوب می‌شوند (میرعمادی و صرامی ۱۳۵۶، ۵۱). افزون بر هندسهٔ مشابه، بهره‌گیری از بتن پیش‌ساخته به‌عنوان مصالح غالب و بدنه‌های عاری از تزئینات در هر سه پروژه، ارتباط میان آن‌ها را تقویت می‌کند. بدین ترتیب خادم در طراحی این مجموعه بیش از هر چیز بر رابطهٔ میان بناها تأکید نموده و به کمک همین مهم در تلاش برای طراحی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» است. خادم در طراحی شهر دانشگاهی که می‌بایست «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» شکل بگیرد، سازمان‌دهی فضایی متأثر از شهرسازی تاریخی را مد نظر داشته است. به‌گمان او، از طرفی در شهرهای تمدن اسلامی از جمله شهرهای ایران، مسجد مهم‌ترین بنا و نقطهٔ کانونی شهر است که سایر ابنیه پیرامون آن شکل می‌گیرند و از طرفی دیگر، در شهر دانشگاهی کتابخانه مهم‌ترین بنا دانشگاه محسوب می‌شود. بر این اساس، کتابخانه در شهر دانشگاهی حائز جایگاه مسجد در شهر تاریخی است؛ از این‌رو باید در کانون توجه باشد به‌طوری‌که سایر بناها پیرامون آن شکل بگیرند و بر اهمیت آن تأکید نمایند (همتی و سیدی ۱۴۰۰، ۸۴).

اقامتگاه خصوصی، به‌شکلی منزوی و در منطقه‌ای با فاصله از بخش‌های اداری، آموزشی و مسکونی شهر دانشگاهی، در شمال شرق شهر دانشگاهی در میان باغات دانشگاه قرار گرفته است. با توجه به عدم قرارگیری هیچ‌گونه بنایی پیرامون اقامتگاه، هر چند این ساختمان عملاً فاقد امکان ارتباط با بناهای مجاور است، ارتباط معناداری با باغ‌های اطراف خود دارد. پلان این بنا نشان‌دهندهٔ نقش پررنگ اشکال هندسی در طراحی آن است، به‌طوری‌که بنا متشکل از یک مربع مرکزی است که دستگاه پله‌مارپیچ مجسمه‌وار، دو حیاط پیرامونی و اتاق‌های مربع‌شکل را - که نسبت به مربع مرکزی ۴۵ درجه چرخیده‌اند - در بر می‌گیرد. هم‌نشینی فضاها متأثر از ورودی‌های عظیم‌الجثهٔ چهارگانهٔ ایوان مانند است، که هر یک در یک سطح مکعب اصلی تکرار می‌شوند، و همچنین تحت تأثیر پلکان مجسمه‌وار داخلی است. فرم بنا از یک مکعب دوطبقه که دربرگیرندهٔ ایوان‌هاست و دو بازوی L شکل یک‌طبقه در طرفین آن تشکیل شده است. بر این اساس، این بنا با توجه به نحوهٔ قرارگیری در میان باغات، هندسه و فرم ارجاعاتی به کوشک‌های تاریخی دارد. نماهای این بنا صرفاً سطوحی تخت نیستند، بلکه به‌تبع چرخش فضاها پستی، پس از پوسته‌های خارجی نما، فضای‌های نیمه‌باز قرار گرفته است و با گذر از آن‌ها دسترسی به فضای داخلی بنا میسر می‌شود. در نماهای این بنا بازشوها و قاب‌های خالی‌شدهٔ نیم‌دایره و مربع در ارتباط با یکدیگر به کار گرفته شده است که قوس مازهدار را تداعی می‌کنند، آن‌چنان‌که در فضای داخلی بنا نیز از طاق مازهدار استفاده شده است. با این‌حال، شاخص‌ترین عنصر موجود در هر نما یک قوس بزرگ نیم‌دایره‌ای است که در ابعاد بزرگ‌تری نسبت به قاب‌های نیم‌دایره‌ای مذکور به کار گرفته شده است. این عنصر که در وسط هر چهار نما مکعب اصلی قرار دارد، ضمن ترکیب با پله‌های بیرون‌زده، ورودی‌های بنا را در بر می‌گیرد و از این‌رو در کارکرد و هندسه متأثر از ایوان در معماری تاریخی است. مصالح عمدهٔ بنا آجر است که مرتبط با کوشک، آشکارا نشان از معماری تاریخی دارد. آجرچینی در قسمت پایینی نماهای مکعب اصلی و تغییر در چینش آجرها در حاشیهٔ قاب‌ها و

ایوان‌ها، همچنان که یادآور سابقه و سنت کار با آجر در معماری بومی منطقه است، به‌عنوان تزیینات نیز قابل تعبیر است. پروژه مرکز پزشکی اشرف پهلوی در شرق شهر دانشگاهی، در قسمتی که دیگر زیرساخت‌های پزشکی مستقر شده بودند، در نظر گرفته شده بود. این بنا از دو حجم عظیم‌الجثه مکعب‌مستطیلی در طرفین که یکی از آن‌ها هشت طبقه ارتفاع داشت، شش حجم مکعب شکل چهار طبقه در بین این دو و یک محور خطی کشیده که همه اجسام را به هم متصل می‌کرد، شکل گرفته بود. تصاویر موجود، ارتباطی چندان میان این بنا و بناهای پیرامونی نشان نمی‌دهند. هم‌نشینی فضاها، قرارگیری فضاهای پر و خالی، ارتباط معناداری میان توده ساختمانی و حیاط‌های مشجر دارد. هندسه به‌کاررفته بر پایه مستطیل است و فرم نیز مستقیماً از روی پلان بالا آمده و بیرون زده است. بازشوهای چهارگوش در سراسر نما به کار رفته و مصالح نیز به‌نظر از بتن پیش‌ساخته بوده است. در این بین، در حیاط‌های مشجر مستطیل شکل که از سه طرف با توده‌های ساختمانی محاصره شده‌اند، ارجاعی تاریخی قابل مشاهده است به‌طوری‌که بر پایه الگوی چهارباغ، دو مسیر آب عمود بر هم در مرکز حیاط، در حوضی بزرگی با یکدیگر برخورد می‌کنند. بر این اساس، خادم برای معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» از رویکردهای متفاوتی بهره برده است، به‌طوری‌که رویکرد نخست در کتابخانه و موزه، دانشکده علوم انسانی و پروژه مرکز هنرهای نمایشی مشاهده می‌گردد و صرفاً مبتنی بر ارتباط با بناهای مجاور و هندسه است. رویکرد دوم به اقامتگاه خصوصی مربوط می‌شود و از طریق ارتباط با بناهای (فضاهای) مجاور، هندسه، ساختار فرم و آرایه و نماد، این مهم تعقیب می‌گردد و در رویکرد سوم در پروژه مرکز پزشکی اشرف پهلوی، صرفاً از هندسه و آرایه و نماد استفاده شده است (تصویر ۷).

۷. تحلیل فرمال آثار معماری دانشگاه جندی‌شاپور و طیف ارجاع به معماری اصیل ایرانی

با بررسی معماری صورت‌گرفته در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور آشکارا می‌توان رویکردهای به‌کارگرفته‌شده توسط محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و مؤژان خادم برای طراحی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» را مشاهده نمود. آن‌چنان‌که در شرح و توضیح فعالیت و پروژه‌های هریک از معماران آمد، رویکردهای به‌کارگرفته‌شده توسط آن‌ها با هدف معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» متنوع و متفاوت است و چه‌بسا یک معمار در دو پروژه متفاوت از دو رویکرد غیریکسان بهره برده باشد. از این‌رو، پس از مطالعه آثار معماری به کمک دستگاه واکاوی فرم به‌کارگرفته در این پژوهش و با مقایسه چگونگی به‌کارگیری شاخص‌های طرح‌شده در این دستگاه، می‌توان رویکردهای به‌کارگرفته‌شده را داخل طیفی از رویکرد کالبدی تا رویکرد مفهومی قرار داد. بدین ترتیب در صورتی‌که اثر معماری به‌شکل عین‌به‌عین یا با ارجاعاتی بسیار واضح به ظواهر معماری تاریخی و ام‌دار باشد، «کالبدی» در نظر گرفته می‌شود؛ در شرایطی‌که با شکل گرفتن پاره‌ای از تغییرات، از اشاره‌ای ضمنی به ظواهر معماری تاریخی برخوردار باشد و ترکیبی کم‌وبیش آشنا از ظاهر و جان‌مایه معماری تاریخی شکل دهد، به‌طوری‌که منجر به تحول و بیانی جدید از معماری تاریخی گردد، «کالبدی - مفهومی» تلقی می‌شود؛ و درنهایت در صورت عدم پایبندی به ظواهر معماری تاریخی و صرفاً با تأکید بر جان‌مایه و مفاهیم معماری تاریخی و بهره‌گیری از آن شکل گیرد، «مفهومی» تعبیر می‌شود. بر این اساس با در نظر گرفتن طیف فوق، بناهای مورد مطالعه در سه دسته «کالبدی»، «کالبدی - مفهومی» و «مفهومی» طبقه‌بندی می‌شوند.

در دسته نخست، دانشکده کشاورزی و دانشکده علوم قرار دارند که شاخص‌های هم‌نشینی فضاها، هندسه، ساختار فرم و آرایه و نماد در آن‌ها قابل مشاهده است که جملگی مستقیماً برآمده از معماری تاریخی محسوب می‌شوند و از این‌رو به رویکرد کالبدی تعلق دارند. در این بین، ناشی از استفاده طاق کلبو و هشتی در دانشکده کشاورزی، می‌توان شدت و ام‌دار بودن این بنا به رویکرد کالبدی را حداکثری دانست. دسته دوم شامل آموزشگاه عالی پرستاری، دانشکده علوم تربیتی، خوابگاه شماره دو دانشجویان، خوابگاه شماره سه دانشجویان، مسجد، باشگاه دانشجویان، کوی استادان، سازمان مرکزی، سالن ورزشی سرپوشیده، پروژه زورخانه، پروژه مرکز مطالعات مذهبی و اقامتگاه خصوصی است که ذیل رویکرد کالبدی - مفهومی قرار می‌گیرند. با توجه به تعدد پروژه‌های این دسته، این رویکرد روایی‌ترین رویکرد به‌کارگرفته‌شده

آغاز از ۱۳۵۲



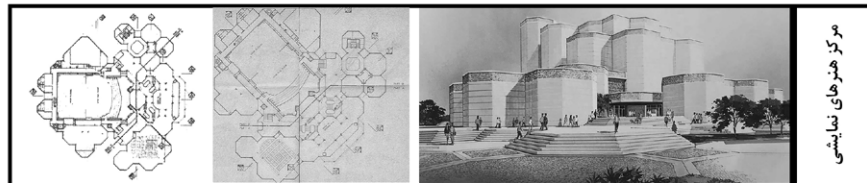
کتابخانه مرکزی و موزه

آغاز احتمالاً از ۱۳۵۴



دانشکده علوم انسانی

ساخته نشده



مرکز هنرهای نمایشی

آغاز از ۱۳۵۴



افتتاحیه خصوصی

ساخته نشده



مرکز پزشکی اشرف پهلوی

تصویر ۷: آثار موزان خادم در شهر دانشگاهی جندی شاپور (ردیف اول از سمت راست: تصاویر اول و دوم از همتی و سیدی (۱۴۰۰)، تصویر سوم از مظهری و گدازی (۱۳۹۴). ردیف دوم از سمت راست: تصویر اول از آرشیو شخصی نگارندگان (۱۳۹۸)، تصویر دوم از کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز، تصویر سوم از (Mapio.net). ردیف سوم از سمت راست: تصویر اول از همتی و سیدی (۱۴۰۰)، تصاویر دوم و سوم از آرشیو شخصی آقای خادم. ردیف چهارم: تصویر اول از کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز، تصویر دوم از آرشیو شخصی نگارندگان (۱۳۹۸)، تصویر سوم از مظهری و گدازی (۱۳۹۴). ردیف چهارم از سمت راست: تصاویر اول و سوم از آرشیو شخصی آقای خادم، تصویر دوم از میرعمادی و صرامی (۱۳۵۶)).

در شهر دانشگاهی جندی شاپور است. شاخص‌های متنوع و متفاوتی در بناهای این دسته قابل مشاهده است که هندسه و آرایه و نماد پربسامدترین آن‌هاست. در این بین، مسجد را می‌توان عالی‌ترین نمونه این دسته برشمرد که ضمن در برداشتن تمامی شاخص‌های طرح‌شده، ابتدا ارجاعاتی عین‌به‌عین به معماری تاریخی ندارد. دسته آخر مربوط به رویکرد مفهومی است که کتابخانه مرکزی و موزه، دانشکده علوم انسانی و پروژه مرکز هنرهای نمایشی را شامل می‌شود. شاخص مشترک این بناها ارتباط با بناهای مجاور است که آن‌ها را نه در قالب بناهایی منفرد بلکه به شکل مجموعه‌ای واحد و به‌عنوان اجزائی از یک کل معنادار معرفی می‌کند و اعتبار می‌بخشد. برجسته‌ترین بنا در این دسته ساختمان کتابخانه مرکزی و موزه است که شاخص‌های ارتباط با بناهای مجاور، هم‌نشینی فضاها و هندسه در آن قابل رؤیت است.

بدین ترتیب برای نیل به معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» در شهر دانشگاهی جندی شاپور، محمدرضا مقتدر تنها معماری است که از رویکرد کالبدی بهره برده است و دانشکده کشاورزی و دانشکده علوم براساس این رویکرد شکل گرفته‌اند. رویکرد کالبدی با ارجاعات مستقیم فرمی به معماری تاریخی همراه است و الهام از «سبک اصیل ایرانی» و «اصول سنتی معماری ایرانی» را از طریق نقش بسیار پررنگ کالبد جست‌وجو می‌نماید. مقتدر در سلف‌سرویس دانشجویان، آموزشگاه عالی پرستاری، دانشکده علوم تربیتی، خوابگاه شماره دو دانشجویان و خوابگاه شماره سه دانشجویان از رویکرد کالبدی - مفهومی بهره برده است؛ باین‌حال شاخص‌ترین چهره این رویکرد، کامران دیبا است. تمام آثار دیبا اعم از مسجد، باشگاه دانشجویان، کوی استادان، سازمان مرکزی، سالن ورزشی سرپوشیده، پروژه زورخانه و پروژه مرکز مطالعات مذهبی، تحت رویکرد کالبدی - مفهومی طراحی شده‌اند. در این رویکرد، معمار اگرچه به‌طور مستقیم فرم‌های گذشته را بازتولید نکرده، با ارجاعاتی که از طریق آرایه و نماد خاصه در مصالح و تزیینات صورت می‌گرفته است، علاوه بر بازتعریف مفاهیم معماری تاریخی و «اصول سنتی معماری ایرانی»، اشارات قابل خوانشی از میل و تعهد خود به معماری تاریخی ارائه داده است. درنهایت، مؤژان خادم نیز رویکرد کالبدی - مفهومی را در طراحی اقامتگاه خصوصی به کار گرفته است. باین‌حال، کتابخانه مرکزی و موزه، دانشکده علوم انسانی و پروژه مرکز هنرهای نمایشی که آثار برجسته‌تر خادم به حساب می‌آیند، جملگی براساس رویکرد مفهومی شکل گرفته‌اند. در این رویکرد، معمار ضمن فاصله گرفتن از ارجاعات کالبدی و اشارات فرمی، بر پایه «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» به تولید کالبدی جدید با بهره‌گیری از مفاهیم معماری تاریخی می‌پردازد (جدول ۲).

جدول ۲: دسته‌بندی بناهای مورد مطالعه براساس رویکردهای به‌کار گرفته‌شده توسط هریک از معماران

رویکرد	نام بنا	معمار	شاخص‌ها			
			ارتباط با بناهای مجاور	هم‌نشینی فضاها	هندسه	ساختار فرم
کالبدی	دانشکده کشاورزی	مقتدر	*	*	*	*
	دانشکده علوم	مقتدر	*	*	*	*
	آموزشگاه عالی پرستاری	مقتدر	*	*	*	*
	دانشکده علوم تربیتی	مقتدر	*	*	*	*
کالبدی - مفهومی	خوابگاه شماره دو	مقتدر	*	*	*	*
	خوابگاه شماره سه	مقتدر	*	*	*	*
	سلف‌سرویس دانشجویان	مقتدر	*	*	*	*
	مسجد	دیبا	*	*	*	*
	باشگاه دانشجویان	دیبا	*	*	*	*
	کوی استادان	دیبا	*	*	*	*
	سازمان مرکزی	دیبا	*	*	*	*
	سالن ورزشی سرپوشیده	دیبا	*	*	*	*
	پروژه زورخانه	دیبا	*	*	*	*
	اقامتگاه خصوصی	خادم	*	*	*	*
مفهومی	مرکز پزشکی اشرف پهلوی	خادم	*	*	*	*
	دانشکده علوم انسانی	خادم	*	*	*	*
	کتابخانه مرکزی و موزه	خادم	*	*	*	*
	پروژه مرکز هنرهای نمایشی	خادم	*	*	*	*

نتیجه

دانشگاه جندی شاپور اهواز، از بدو تأسیس، میراث‌دار جندی‌شاپور ساسانی در نظر گرفته شد. این میراث سنگین در جنبه‌های مختلف همراه این دانشگاه بود، به طوری که در پیش‌شرط طراحی معماری نیز تعقیب شد. بدین ترتیب، طی شکل‌گیری شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، حین برنامه چهارم و پنجم عمرانی، معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» به‌عنوان معماری معیار برای این شهر دانشگاهی در نظر گرفته شد. با این همه، نتایج آن بیش از آنکه مبتنی بر معماری ایران پیش از اسلام باشد، از معماری ایران در دوران اسلامی وام گرفت. واکاوی فرمی آثار معماری شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز، از طریق دستگاه واکاوی فرم به‌کاررفته در این پژوهش، متشکل از شاخص‌های «ارتباط با بناهای مجاور»، «هم‌نشینی فضاها»، «هندسه»، «ساختار فرم» و «آرایه و نماد» بیانگر گوناگونی در چگونگی بازتولید معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» به‌رغم مشابه بودن بستر طراحی است. رویکردهای به‌کارگرفته‌شده در طراحی ابنیه این شهر دانشگاهی، توسط محمدرضا مقتدر، کامران دیبا و مؤژان خادم، در سه دسته «کالبدی»، «کالبدی - مفهومی» و «مفهومی» قابل تقسیم‌بندی است. رویکرد کالبدی ناشی از ارجاعات مستقیم فرمی است که از طریق کالبد ارجاعاتی واضح به معماری سنتی ارائه می‌دهد؛ رویکرد کالبدی - مفهومی فرم‌های گذشته را تکرار نمی‌کند اما با ارجاعاتی، خاصه در آرایه و نماد، آشکارا به وامداری از گذشته اشاره می‌نماید؛ و در نهایت رویکرد مفهومی ضمن عدم ارائه ارجاعات واضح و اشارات آشکار، به تولید کالبدی جدید با بهره‌گیری از مفهومی تاریخی می‌پردازد.

بر این اساس، محمدرضا مقتدر با به‌کارگیری شاخص‌های هم‌نشینی فضاها، هندسه، ساختار فرم و آرایه و نماد، با رویکردی کالبدی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» را صورت داده و عالی‌ترین نمونه این رویکرد را در طراحی دانشکده کشاورزی درانداخته است. کامران دیبا از طریق شاخص‌های ارتباط با بناهای مجاور، هم‌نشینی فضاها، هندسه و آرایه و نماد، با رویکرد کالبدی - مفهومی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» را تعقیب کرده و در طرح‌ریزی مسجد عالی‌ترین اثر این رویکرد را پدید آورده است. در نهایت مؤژان خادم در شاخص‌ترین آثارش، به‌وسیله شاخص ارتباط با بناهای مجاور و هندسه، با رویکرد مفهومی به معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» پرداخته است؛ به طوری که در طراحی کتابخانه مرکزی و موزه، با ایجاد رابطه‌ای عمیق میان این بنا و بناهای مجاور، به‌جای طراحی چند جزء، یک کل معنادار طراحی کرده است. در نتیجه چنین می‌توان گفت که معماران محوری نام‌برده‌شده، مقتدر، دیبا و خادم، با به‌کارگیری رویکردهای متفاوت و شاخص‌های گوناگون در بستر واحد شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز، آثار قابل توجهی از چگونگی معماری به «سبک اصیل ایرانی» و «بر طبق اصول سنتی معماری ایرانی» را در این شهر دانشگاهی پدید آورده‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب کمال تشکر خود را از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر روح‌الله مجتهدزاده برای مطالعه این مقاله، بیان نکات ارزنده راجع به آن و تسهیل در دسترسی به کتاب *پیدایش و گسترش دانشگاه جندی‌شاپور*، منبع دست‌اول بسیار اثرگذار در این پژوهش، به عمل می‌آورند. نویسندگان از جناب آقای دکتر علی اصغر همتی، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز به جهت حمایت‌ها و تسهیل در دسترسی به منابع کمال قدردانی خود را ابراز می‌دارند. نویسندگان همچنین از سرکار خانم مهندس محدثه لاردور، دانش‌آموخته معماری دانشگاه جندی‌شاپور (شهید چمران فعلی) اهواز و کارمند شاغل در بیمارستان گلستان اهواز، به‌سبب راهنمایی در دسترسی به ساختمان‌های واقع در این بیمارستان (سلف‌سرویس دانشجویان، خوابگاه شماره دو و خوابگاه سه) و همراهی در عکس‌برداری از آن‌ها کمال تشکر را دارند. اصلاحات نهایی این مقاله با قطعی اینترنت بین‌المللی همراه شد؛ از این‌رو نویسندگان از جناب آقای سید محمدعلی سیدی، دانشجوی کارشناسی‌ارشد اقتصاد در دانشگاه تهران، جناب آقای امیرمهدی بصیری خردمند پهرانی، دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مطالعات معماری ایران در دانشگاه تهران، و سرکار خانم هلیا پورباقریان، دانش‌آموخته

کارشناسی ارشد معماری منظر در دانشگاه تربیت مدرس، بابت یاری‌رسانی در دسترسی به وبسایت مجله و ارسال فایل‌های نهایی صمیمانه قدردانی می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشگاه جندی‌شاپور (شهید چمران فعلی) اهواز، یکی از دانشگاه‌های متقدم کشور محسوب می‌شود که از نخستین سال دومین برنامه عمرانی کشور (۱۳۳۴) فعالیت آموزشی خود را آغاز نمود. با این حال، روند توسعه این دانشگاه نسبت به سایر دانشگاه‌های با قدمت مشابه، بیانگر رشد بسیار کند آن از بدو تأسیس تا اواخر دههٔ چهل خورشیدی و تقریباً هم‌زمان با پایان برنامه سوم عمرانی کشور است. در این سال‌ها، دانشکده‌های دانشگاه جندی‌شاپور متشکل از دانشکده‌های پزشکی و کشاورزی، به‌شکلی مجزا و منفرد، در دو منطقهٔ جغرافیایی متفاوت و با امکاناتی بسیار محدود به حیات خود ادامه می‌دادند و به سایر دانشگاه‌های داخلی و خارجی وابستگی کامل داشتند. با این‌همه، با فراهم شدن شرایط و عوامل لازم برای توسعه این دانشگاه و عزم جدی برای متمرکز شدن آن در اراضی متعلق به وزارت فرهنگ، واقع در منطقهٔ گلستان اهواز، «شهر دانشگاهی جندی‌شاپور» در کمتر از یک دهه منتهی به انقلاب اسلامی پدید آمد (راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی‌شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷، ۱۳۵۶، ۴-۵).

۲. متن کامل نامهٔ دکتر سید حسین نصر در ویژه‌نامهٔ تاریخ شفاهی دانشگاه؛ آثار نوشتاری دانشگاهیان به‌مناسبت آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز اثر دادخواه و دیگران (۱۳۹۸، ۲۳۰-۲۳۱) به این شرح است:

«زآنجا که ده‌ها سال از دوران تکوین و تأسیس دانشگاه شهید چمران می‌گذرد، برخی از جزئیات مراحل تأسیس آن که این بنده نیز به‌عنوان عضو شورای عالی فرهنگ و دیگر نهادهای مربوط در بحث و تصمیم‌گیری دربارهٔ آن سهمی ناچیز داشت، به‌بوتۀ فراموشی سپرده شده است. لکن نکات مهمی هست که هنوز در خاطر من باقی‌ست. پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۴ که اولین دانشگاه به‌معنای جدید آن در ایران بود و دانشگاه مادر محسوب می‌شد، برای چند سالی دیگر دانشگاهی در ایران تأسیس نشد تا جنگ بین‌المللی دوم که بعد از آن دانشگاه تبریز به‌عنوان دومین دانشگاه در ایران بنا شد. سپس در بر روی تأسیس دانشگاه در شهرستان‌ها باز شد و یکی بعد از دیگری دانشگاه‌های شیراز و اصفهان و مشهد به وجود آمد. به‌دنبال همین جریان بود که اولیای امور به فکر ایجاد دانشگاهی در خوزستان افتادند.

در شوراهای مربوطه، این موضوع مفصلاً مطرح شد. نظر بنده و چند تن دیگر از اعضای شوراهای مربوطه این بود که نام این دانشگاه جندی‌شاپور گذاشته شود؛ اگرچه قرار بود در اهواز باشد. دلیل ما هم این بود که دانشگاه جندی‌شاپور که در عصر ساسانی بنا شد، از لحاظ تاریخی اهمیت فوق‌العاده داشت و سهم آن در انتقال علوم اوایل، چه یونانی و چه هندی و چه ایرانی، به تمدن اسلامی اساسی بود و نه تنها در تمدن اسلامی، بلکه از طریق انتقال علوم اسلامی به غرب اهمیت زیادی در تاریخ علوم در مغرب‌زمین نیز داشت. در یکی از جلسات دربارهٔ تأسیس این دانشگاه عرض کردم که بعضی چیزها جدیدش خوب است و بعضی قدیمیش مانند دوستی و مراکز علمی و افزودم که حتی تاریخ دانشگاه تهران باید با تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر آغاز می‌شد و نه با ساختن پردیس فعلی دانشگاه تهران در خیابان شاه‌رضای آن زمان در سال ۱۳۱۴. به‌هرحال نظریه بنده و دیگر هم‌فکران توسط شوراهای مربوطه و اولیای امور پذیرفته شد و دانشگاه جندی‌شاپور با همین نام به وجود آمد.

شخصی که بیش از هرکس برای تأسیس این دانشگاه و رشد اولیهٔ آن زحمت کشید، دکتر جامعی بود که با ایشان دوستی نزدیک داشتم؛ از این موقعیت استفاده کرده به ایشان عرض کردم که علاوه بر دانشکده‌های پزشکی و کشاورزی و امثال آن‌ها باید توجه خاص به دانشکدهٔ ادبیات و زبان فارسی و نیز عربی شود. اهمیت زبان فارسی بر همگان آشکار بود، ولی خیلی‌ها در تهران به‌علت یک نوع ناسیونالیسم فرهنگی کاذب، توجه به اهمیت زبان عربی نه تنها برای آن استان که دانشگاه در آن قرار داشت بلکه برای محیط کلی علمی و فرهنگی کشور نداشتند. به‌هرحال تدریس کامل و جدی زبان و ادبیات عرب تا بعد از انقلاب عملی نشد به‌رغم اهمیت علمی و عملی آن.

به این نکته نیز باید اشاره کنم که به علت علاقه‌ای که همواره به حفظ و احیای معماری اصیل و سنتی ایران داشته و دارم، بارها اصرار کردم که تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور فرصت خوبی‌ست برای ساختن یک دانشگاه بزرگ به سبک اصیل ایرانی. خوشبختانه آقای دکتر جامعی نیز در این امر با بنده هم‌فکر بودند. یکی از مهندسان بسیار باذوق آن زمان به نام مهندس مقتدر که اخیراً به رحمت الهی پیوست، برای این کار انتخاب شد و الحق که طرح بسیار زیبا و اصیلی به وجود آورد. به خاطر دارم که هنگام مراسم افتتاح دانشگاه بسیاری از حضار اذعان داشتند که این دانشگاه از لحاظ معماری، زیباترین و اصیل‌ترین دانشگاه در ایران است. خوانده‌ام که به هنگام جنگ مصیبت‌بار عراق صدمه زیادی به ابنیه دانشگاه وارد آمد. امیدوارم تمام این خرابی‌ها مرمت شده و اصالت معماری دانشگاه حفظ شود. در پایان از درگاه احدیت مسئلت دارم و دعا می‌کنم که این دانشگاه هر روز از لحاظ علمی و فرهنگی اعتلا یابد و مرکز مهمی برای اشاعه دانش بین فرزندان عزیز کشورمان باشد.

والله اعلم بالصواب

سید حسین نصر»

3. Perkins & Will

4. Daz-Perkins & Will

۵. در اواخر دهه ۳۰ مهندسين مشاور مقتدر-آندرف در این دانشگاه فعالیت نموده‌اند (مجاب ۱۳۴۶، ۶۳). با این حال با ادغام این شرکت با مهندسين مشاور مندا، مهندسين مشاور مدام پدید آمد که بین واپسين سال‌های دهه ۴۰ تا نیمه دهه ۵۰ در شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز فعال بود (زندگی مهندس محمدرضا مقتدر ۱۳۸۷).

6. Nectar Papazian

7. Konstantin Alex Andreef

8. Architectural Record

۹. مصاحبه‌ها با موژان خادم در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ از طریق تماس‌های مکرر تصویری و صوتی صورت گرفت. شایان ذکر است که نگارندگان موفق شدند در قراری حضوری در دانشگاه کوچ در استانبول ترکیه - که یکی از آثار مهم بین‌المللی خادم است - با ایشان دیدار نمایند و در مورد آثارشان جويا شوند. بخشی از نتایج این مصاحبه‌ها در نوشتاری با عنوان «موژان خادم: ایران و فراتر از آن! گفت‌وگو با موژان خادم در مورد آثار معماری او در ایران، پاکستان، مصر، ترکیه و آمریکا» (همتی و سیدی ۱۴۰۰) در مجله هنر معماری به انتشار رسید. همچنین جلسه مشترکی میان کامران دیبا و موژان خادم، توسط نگارندگان و دیگر اعضای گروه دیجیتال‌فیوچرز [فارسی] برنامه‌ریزی شد که در قالب گفت‌وگویی با موضوع «در جست‌وجوی هویت: گذشته در امتداد آینده» از یوتیوب دیجیتال‌فیوچرز پخش شد.

۱۰. خوزستان طی «قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران» مصوب آبان ۱۳۱۶، بخشی از استان غرب برشمرده می‌شد و در اصلاح این قانون که در دی‌ماه همان سال با عنوان «قانون اصلاح قانون تقسیمات کشور و اصلاح قانون راجع به محصلین کلاس اختصاصی وزارت داخله» شکل گرفت، بخشی از استان ششم محسوب گردید (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره یازدهم قانون‌گذاری ۱۳۱۹، ۳۰۵-۳۲۹ و ۳۳۰-۳۶۰).

۱۱. جندی‌شاپور یا گندی‌شاپور نام شهری تاریخی در خوزستان بود که به احتمال فراوان، پیشینه آن به دوران ساسانی بازمی‌گردد و بنیان‌گذاری آن به شاپور یکم نسبت داده می‌شود. نام این شهر بیش از هر چیز با نام دانشگاه جندی‌شاپور گره خورده است که بر مبنای مستندات تاریخی، یکی از مهم‌ترین مراکز علمی دوران خود بوده و در آن آموزش در زمینه‌های متنوعی چون پزشکی، فلسفه، الهیات و علوم ارائه می‌شد. این دانشگاه بیش از هر چیز با مرکز آموزش پزشکی و بیمارستان آن شناخته می‌شد که به گواه مورخان، یکی از مهم‌ترین مراکز پزشکی دوران باستان به شمار می‌آید. جندی‌شاپور ساسانی پس از حمله اعراب و در دوران اسلامی نیز همچنان برپا بود و به مرور در سده‌های میانی اسلامی از میان رفت و اکنون در مورد مکان دقیق آن اختلاف‌نظر وجود دارد.

۱۲. جزئیات برنامه پانزده‌ساله کارهای ساختمانی مطابق جدول ذیل است:

برنامه پانزده‌ساله کارهای ساختمانی دانشگاه، تهیه‌شده توسط دفتر مقتدر آندرف در دی‌ماه ۱۳۳۸ (مجاب ۱۳۴۶، ۶۳)

ردیف	عنوان	گنجایش
	دبیرخانه دانشگاه	-
	کتابخانه	-
	مسجد	-
	سالن اجتماعات	۲۰۰۰ نفر
	مهمان سرا	۵۰ نفر
۱	رستوران و کلوب دانشجویان	۲۵۰۰ نفر
	كلوب ورزشی	-
	استخر شنای سرپوشیده	-
	استخر شنا در هوا آزاد	-
	زمین‌های ورزشی بازی	-
	استادیوم با جایگاه	-
۲	دانشکده پزشکی	۱۲۰۰ دانشجو
	بیمارستان آموزشی	۴۵۰ تخت‌خواب
۳	دانشکده علوم	۱۸۵۰ دانشجو
۴	دانشکده کشاورزی	۳۵۰ دانشجو
۵	دانشکده فنی	۱۵۰۰ دانشجو
۶	دانشکده دندان‌سازی	۳۰۰ دانشجو
۷	دانشکده داروسازی	۳۰۰ دانشجو
۸	دانشکده ادبیات	۱۰۰۰ دانشجو
۹	کوی دانشجویان	۱۲۰۰ نفر

۱۳. به تبع ادغام شرکت داض و شرکت پرکینز اند ویل با یکدیگر، شرکت داض-پرکینز اند ویل پدید آمد، به طوری که کامران دیبا و مؤژان خادم معماران محوری این شرکت محسوب می‌شدند. با این همه، خوشبختانه نقش هریک از آن‌ها در آثار طراحی‌شده این شرکت قابل تمییز است.

۱۴. مؤژان خادم طراح اصلی شرکت آمریکایی «پرکینز اند ویل» و عضو شرکای اصلی این شرکت بود که با توجه به آغاز فعالیت گسترده این شرکت در ایران، به سال ۱۳۵۲، نخستین دفتر پرکینز اند ویل در خارج از ایالات متحده را در تهران تأسیس کرد و خود مدیریت عامل و ریاست این دفتر را بر عهده داشت. بعد از آن مهندسین مشاور داض با این شرکت ادغام شد و «داض-پرکینز اند ویل» شکل گرفت که در نهایت با خرید سهم پرکینز اند ویل توسط خادم، به «مؤژا و همکاران» تبدیل شد.

منابع

- آمار آموزش عالی ایران در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی. ۱۳۵۵. تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- ابل، کریس. ۱۳۸۷. معماری و هویت. ترجمه فرح حبیب. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- امیدوار، عطاءالله. ۱۳۷۹. کامران دیبا را چطور به یاد می‌آورم؟. معمار (۱۰): ۲۷-۲۶.
- افشارنادری، کامران. ۱۳۷۹. یادگارهای آشنا کامران دیبا. معمار (۱۰): ۲۵-۲۰.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۴. معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر و معماری قرن.

- بسکی، سهیلا. ۱۳۷۹. دیداری دیگر با کامران دیبا. معمار (۱۰): ۱۹۸.
- بهروز، احمد، و عطاءالله اشراقی. ۱۳۵۰. دانشکده پزشکی جندی شاپور از تأسیس تا سال ۱۳۵۰. اهواز: انتشارات دانشگاه جندی شاپور.
- بی‌بی‌سی فارسی. ۱۴۰۳. تماشا: معماری نوگرایی ایرانی در آثار محمدرضا مقتدر [ویدئو]. یوتیوب.
https://www.youtube.com/watch?v=Lz_x37QO-oM
- پیشرفت‌های دانشگاه جندی شاپور در دهه انقلاب شاه و مردم. اهواز: روابط عمومی دانشگاه جندی شاپور.
- خادم، موژان. ۱۳۹۳. ابعاد عرفانی معماری: بحران محیط‌زیست. رهاورد (۱۰۶): ۱۱۰-۱۲۷.
- خانبانزاده، ساناز، مریم ارمغان، و جمال‌الدین سهیلی. ۱۳۹۹. بررسی نقش زنان معمار در معماری معاصر ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی). زن در فرهنگ و هنر. (۱)۱۲. ۱۹-۴۹. <https://doi.org/10.22059/jwica.2020.297705.1403>
- دادخواه، حسن، شهناز خامی‌زاده، ندا شفیعی، سمیه طاهری‌فر، مریم سعیدی، و سید مصطفی عالم‌زاده. ۱۳۹۸. ویژه‌نامه تاریخ شفاهی دانشگاه: آثار نوشتاری دانشگاهیان به‌مناسبت آیین بزرگداشت شصت‌مین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز. جلد اول. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- دیبا، کامران. ۱۳۹۳. باغی میان دو خیابان: چهار هزار و یک روز از زندگی کامران دیبا. تهران: بن‌گاه.
- دیبا، کامران. ۱۳۹۲. ساختمان‌ها و پروژه‌ها. ترجمه و نداد جلیلی. تهران: علم معماری روبال.
- راهنمای دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۱۳۵۳-۵۴. اهواز: دانشگاه جندی شاپور، دفتر معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی.
- راهنمای تحصیلی دانشگاه جندی شاپور سال تحصیلی ۲۵۳۶-۲۵۳۷. اهواز: دانشگاه جندی شاپور، دفتر برنامه‌ریزی و نظارت.
- زندگی مهندس محمدرضا مقتدر. (۱۳۸۷). مصاحبه مجله معمار. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۹/۲۹. قابل دسترس در: <http://www.caoi.ir/fa/categories/%D9%88%DB%8C%D8%AF%DB%8C%D9%88%D9%85%D8%B5%D8%A7%D8%AD%D8%A8%D9%87/mohammadreza-moghtader-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B6%D8%A7-%D9%85%D9%82%D8%AA%D8%AF%D8%B1.html>
- سیدی، سید علیرضا، و مرتضی همتی. ۱۴۰۲. در امتداد زمان و مکان؛ بررسی و تحلیل اندیشه «معماری ممتد» در پروژه پردیس مرکزی دانشگاه قوچ. منظر (۶۳): ۱۵-۹۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.345727.2196>
- طایفه، احسان، عیسی حجت، و حمیدرضا انصاری. ۱۳۹۴. تعریف و تدوین دستگاه واکاوی فرم معماری مبتنی بر تحلیل و بازاندیشی دستگاه نقد. مطالعات معماری ایران (۸): ۴-۷۳.
- عظیمی، علیرضا، خسرو محمدی، و وحید عبدلی. ۱۳۹۴. نگاهی به ۲۰ سال معماری محمدرضا مقتدر در ایران. هنر معماری (۳۶): ۱۶-۲۹.
- قهاری، سید علیرضا. ۱۳۸۶. کتاب معماران ایران. تهران: نظر.
- مجاب، حبیب‌الله. ۱۳۴۶. تاریخچه مختصر دانشگاه جندی شاپور «جندی شاپور». اهواز: سازمان آب و برق خوزستان.
- مجتهدزاده، روح‌الله، و زهرا نام‌آور. ۱۳۹۴. در جست‌وجوی هویت شهری اهواز. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره یازدهم قانون‌گذاری. ۱۳۱۹. تهران: چاپخانه مجلس.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پانزدهم قانون‌گذاری. ۱۳۳۹. تهران: چاپخانه مجلس.
- مظهری، محمدابراهیم، و فرشته گدازی. ۱۳۹۴. معماری و اندیشه: تأملی بر معماری دانشگاه. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مقتدر، محمدرضا. (۱۳۸۵). کارهای رضا مقتدر. معمار (۴۰): ۸۹-۹۵.
- میرعمادی، عبدالحسین، و غلامحسین صرامی. ۱۳۵۶. پیدایش و گسترش دانشگاه جندی شاپور. اهواز: معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه جندی شاپور.
- نصر، سید حسین. ۱۳۹۸. دکتر سید حسین نصر. در ویژه‌نامه تاریخ شفاهی دانشگاه؛ آثار نوشتاری دانشگاهیان به‌مناسبت آیین بزرگداشت شصت‌مین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز. جلد اول. گردآوری و تدوین: حسن دادخواه، شهناز

- خادمی‌زاده، ندا شفیعی، سمیه طاهری‌فر، مریم سعیدی و سید مصطفی عالم‌زاده. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- همتی، مرتضی، و سید علیرضا سیدی. ۱۴۰۰. موژان خادم: ایران و فراتر از آن! گفت‌وگو با موژان خادم در مورد آثار معماری او در ایران، پاکستان، مصر، ترکیه و آمریکا. هنر معماری (۶۳): ۸۲-۹۱.
- هنر و معماری. ۱۳۵۱. آشنایی با یکی از آرشیوتکتهای ایرانی و کارهای وی. هنر و معماری (۱۳ و ۱۲): ۴-۳۳-۵۰.
- Amanat, Abbas. 2017. *Iran : A Modern History*. New Haven: Yale University Press. <https://doi.org/10.12987/9780300231465>.
- Indigenous high-tech. 1987. *Architectural Record* 96 (5): 136-149.
- Khaghani, Saeid, & Niloofar Rasooli. 2018. The Women Architects of Iran, Their Practice and Influence (1940-1976). In C. Franchini, H. Seražin, E. M. Garda (Ed.), *Women's Creativity since the Modern Movement (1918-2018): Toward a New Perception and Reception*. Slovenia: Založba ZRC.
- Jondi Shapour University, Ahvaz, Iran (n.d.). Retrieved February 2, 2026, from <https://continuousarchitecture.org/portfolio/jondi-shapour-university-ahvaz-iran/>
- Setting a Standard for Architecture in Islam: The Aga Khan School of Nursing in Karachi, designed by Payette Associates and Mozhan Khadem. 1981. *Architectural Record* 90 (10): 81-89.
- Shahbazi, Alireza Shapur, & Lutz Richter-Bernburg. 2018. Gondesapur. *Encyclopaedia Iranica* 11 (2): 131-135.
- Seyed, Seyed Alireza, Asma Mehan, & Morteza Hemmati. 2025. Modernism and Mysticism: Mozhan Khadem's Architectural Journey. In *Abstracts of Papers Presented at the 78th Annual International Conference of the Society of Architectural Historians (SAH)*. Atlanta, GA: Society of Architectural Historians, 40.
- Tabibi, Baharak. 2021. Unhiding The Hidden Portrait Of Pahlavi Women Builders In Sketching The Iranian Modernity: A Reassessment Of The Congress Of Women Architects. *METU Journal of the Faculty of Architecture* 38 (1): 197-212. <http://dx.doi.org/10.4305/metu.jfa.2021.1.5>

■ Jundishapour University of Ahvaz Campus: An Experiment in the Reproduction of Iranian Architecture (Late 1960s–1979)

Seyed Alireza Seyedi

PhD Student in Architecture, Huckabee College of Architecture, Texas Tech University

Morteza Hemmai

PhD in Landscape Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran

Jundishapour University of Ahvaz, in line with the Pahlavi government's nationalist policies, was presented as the heir to the Sasanian-era Jundishapour. From its establishment in 1955 until the early 1970s, its development remained limited. However, in the decade before the Islamic Revolution, it expanded rapidly, leading to the establishment of the Jundishapour University Campus in Ahvaz. The architectural requirement for this new campus was defined as design in the “authentic Iranian style” and “according to the traditional principles of Iranian architecture,” which led to the invitation of Mohammad Reza Moghtader, Kamran Diba, and Mozhan Khadem to design its buildings. The result was a rare and valuable example of modern Iranian architecture, offering a setting in which several of Iran's most experienced architects collaborated to reinterpret and contemporize traditional architectural principles. Using a historical-interpretive approach and newly uncovered archival documents, this study examines each architect's contribution through a formal analysis framework that includes relationships with neighboring buildings, spatial adjacency, geometry, formal structure, ornament, and symbolism. The architectural approaches are classified as physical, referring to direct formal references to historical architecture; physical-conceptual, referring to the reinterpretation of historical architectural concepts with perceptible fidelity to tradition; and conceptual, referring to the creation of new forms inspired only by historical architectural ideas. Moghtader, Diba, and Khadem represent these three categories, respectively.

Keywords: Contemporary Iranian Architecture, Contemporization, Mohammad Reza Moghtader, Kamran Diba, Mozhan Khadem.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan

School of Architecture and Art

Vol. 28, Autumn and Winter 2026

E-ISSN: 2676-5020

28

- **Stucco Mihrabs of the Qajar Period in the Kashan Region (1780–1859)**
Shima Negahban, MohamadReza Ghiasian, Mohammad Mashhadi NooshAbadi
- **Architectural Typology of Historical Inhabited Castles of Iran**
Mahtab Ghouryani, Neda Sahragard Monfared, Seyed Abbas Yazdanfar
- **The Emergence of Tall Tower Windcatchers in the Skyline of Qom City Based on Historical Illustrated Documents**
Mohammad Rezai Nedoushan
- **Inhabited Living Heritage: A Conceptual Framework for Understanding and Preserving the Continuity of Dwelling in Historic Houses**
Sana Yazdani, Zahra Ahari
- **Examining the Impact of Eventification in the Sa'dabad Cultural Complex**
Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Role of Duration of Presence, Carbon Dioxide Concentration, and Relative Humidity on the Thermal Comfort of Worshippers in Contemporary Mosques of Ilam**
Karen Fatahi
- **Vulnerability of the Persepolis Site to Climate Change and the Role of Local Community Participation in Its Reduction**
Hamid Fadaei, Masoud Nakhaei Ashtari
- **Jundishapour University of Ahvaz Campus: An Experiment in the Reproduction of Iranian Architecture (Late 1960s–1979)**
Seyed Alireza Seyedi, Morteza Hemmai
- **Evaluation of Structural Education Curriculum in Iranian Architecture Schools from the Perspective of Implementing Structural Knowledge in Architectural Design Based on Bloom's Revised Taxonomy**
Fouzieh zeinali, Nariman Farahza, Mohammadreza Hafezi
- **Primary Generator in the Design of an Islamic-Behavioral House Based on Islamic Hadith Sources**
Mostafa SayrafianPour, Masoud Nari Qomi
- **An Analysis of the Revival of Tehran Qanats: A Critical Reading from the Perspective of Urban Political Ecology**
Bahareh Farahani, Kianoosh Zakerhaghghi, Mehrnoush Hassanzadeh
- **Differences between the Traditional and Modern Urban Fabric of Zavareh Based on the "City Is Not a Tree" Theory: A Comparison of Organic Urban Structure and Tree-Like Structure**
Ali Abdi, Gholamhossein Memarian, Mona Azarnoush